

# راه پوده

شهره‌آوران حریت‌خواه ایران در خارج از کشور

جمعه ۱ بهمن ۱۳۶۱ مطابق ۶ ربیع الآخر  
۱۳۰۲ و ۲۱ ژانویه ۱۹۸۳  
سال اول، شماره ۲۵  
پهنا: ۱۰ - عرض: ۱۰

## قانون واگذاری اراضی مزروعی به سرنوشت قانون بازرگانی خارجی دچار شد شورای نگهبان مصوبه مجلس را رد کرد چه کسانی می‌خواهند بیوند جمهوری اسلامی ایران با محرومان را قطع کنند؟

بگزارش صدای جمهوری اسلامی ایران، اکثریت فقهای شورای نگهبان قانون مصوب مجلس شورای اسلامی راجع به احیا و واگذاری اراضی مزروعی را "مغایر با موازین شرعی" تشخیص داد. ورد کرد. بدین ترتیب این قانون دچار همان سرنوشتی شد که پیش از این قانون اراضی شهری و قانون دولتی کردن بازرگانی خارجی و سایر قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی که از جهت گیری بسود محرومان جامعه برخوردار بودند، بدان مبتلا گشته‌اند.

بی‌شک اهمیت ساله بر همه خوانندگان "راه پوده" روشن است. بخش عظیمی از مردم مستضعف جامعه ما را دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین تشکیل می‌دهند که سالها تحت ستم فئودالها و بزرگ مالکین رنج برده‌اند. اینک این‌س قشر محروم و زحمتکش، بیش از سه سال است که چشم امید به حاکمیت انقلابی دوخته و بحق از او اقدام قاطع انقلابی جهت ریشه کن کردن بزرگ مالکی را، یعنی یکی از دو پایگاه عمده اجتماعی حاکمیت طولانی امپریالیسم بر کشور ما، انتظار دارند. انقلاب ما که بقول آقای موسوی اردبیلی اگر قرار باشد چیزی به کسی بدهد، باید به مستضعفین، به کارگران و کشاورزان بدهد، می‌تواند و باید به غارت بی‌حد و حصر حوانین و بزرگ مالکین خاتمه داده از این طریق زمینه شکوفایی بقیه در صفحه ۲

## انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما به کدام سو خواهد رفت؟

تعمیق انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما به رهبری امام خمینی در طول چهار سالگی که از عمر آن می‌گذرد، هر روز بیشتر به جدائی "خط"ها از هم و تمیز مرز بین انقلابی و ضد انقلابی انجامیده است.

امروز دیگر خیلی از آنهایی که یک روزی در جرگه انقلابیون وارد شده بودند، در سنگر ضد انقلاب عیان و نهان قرار گرفته‌اند. این روند هنوز به پایان محتوم خود نرسیده است. هنوز باید عناصر و نظرگاه‌ها و اهداف دیگری هم از درون جرگه انقلابیون واقعی خارج شوند، تا انقلاب بتواند راه نهایی خود را بیابد و اهدا ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب را، که "استقلال آزادی و عدالت اجتماعی" است، به طور بازگشت ناپذیر تحقق بخشد.

برای پیروزی نهایی خط امام بر خط راستگرا که در تمام ارگانها و نهاد های انقلابی - قانونگذاری - قوه مجریه - اقتصاد - و قضا نفوذ کرده است، فرمان ۸ ماده‌ای امام خمینی حربه برنده‌ای می‌تواند باشد، اگر در عرصه عمل، که به نظر حزب توده ایران میزان آن است، قاطعانه به کار گرفته شود و به قول آیت الله جنتی "دانه های درشت" را فترا گیرد.

پنج هفته پس از صدور این فرمان، اما نمی‌توان از آن صحبت کرد، که آنچه هدف ایسن فرمان تاریخی امام بوده است، تحقق یافته است. روزنامه جمهوری اسلامی ۲۳ دیماه ۶۱ در مقاله‌ای، که در صدای جمهوری اسلامی ایران قرائت شد، در دست به علت این که "دانه های درشت" دست نخورده باقی مانده‌اند، مسی نالد و تهدید می‌کند، که اگر بند به دست این "دانه های درشت" زده نشود و این عناصر افشا و به مردم معرفی نشوند، روزنامه جمهوری اسلامی خود راسا اقدام خواهد کرد و ایسن عناصر را معرفی خواهد کرد.

بقیه در صفحه ۴

## هنوز بعد از شاه نوبت آمریکا و اذناش است شاه رفت!

۴ سال پیش، در روزی که شاه خائن گریخت و به دامان اربابان خود پناه برد، آسمان وطن در غرش شعار "بعد از شاه نوبت آمریکاست" می‌لرزید. اکنون بعد از ۴ سالی که از فرار شاه میگذرد خلق قهرمان ایران در متن این نبرد قرار دارد. در ۴ سال گذشته شاه خائن در زباله‌دان تاریخ مدفون شد. اما اربابان او، امپریالیستهای جهانی، بسرگردی آمریکا، راه مشرک خود را با این نوکر مدفون شده ادامه دادند. در این مدت امپریالیسم جهانی بسرگردی آمریکا توطئه‌های رنگارنگی علیه مردم قهرمان ما تدارک دید و به مرحله اجرا درآورد. امپریالیسم آمریکا با دو تانکتیک "مسخ انقلاب و سرکوب انقلاب" بقیه در صفحه ۱۰

روزنامه‌های تهران عصر روز ۲۶ دیماه، با درشت‌ترین حروف این مژده را به خلق دادند. روزنامه‌ها به خیابان آمد و خلق این تیترا ناقص را کامل کرد، شاه در رفت! و آنگاه روزنامه‌هایی که تیترا ناقص آنها بدست توده کامل شده بود، بر دستها برقص در آمد. موج شادمانی شهرها را فراگرفت، همه جا تعطیل شد. مردمی که تا صبح همان روز دسته دسته در خیابانها بدست درخیمان شاه تیرباران میشدند، به رقص درآمدند. نقل و گل و شیرینی دست به دست پخش شد. در عوای شادمانی مردم، شعار تازه‌ای متولد شد که بسیاری خلق را نشان میداد و از همان لحظه گریز جلااد بزرگ، مرحله بعدی انقلاب را تدارک می‌دید:

## ترکیه عضو پیمان تجاوزی نظامی ناتو و چو بدست کودتائی امپریالیسم آمریکا، یا کشور همسایه و مسلمان و دوست جمهوری اسلامی ایران؟

به ۶۲ تن می‌رسد. در محاکمات اخیر، ۱۰ تن از متخصمین استیتوی تحقیقاتی "دیسک" به مرگ محکوم شد. در بین متهمین شخصیتهای سرشناسی از جمله سناتور سابق و عضو کمیته وحدت ملی، احمد یلماز و نماینده مهندسين و فعالهای ترکیه، تکوم اوستورک دیده می‌شوند. حکومت نظامی ترکیه حتی از انسانهایی که در راه صلح مبارزه می‌کنند نیز چشم‌پوشی نمی‌کند و با آنان همانند قاتلین رفتار می‌کند. برای جرم دفاع از صلح مجازات ۳۰ سال زندان تعیین شده است. در حال حاضر اعضای کمیته صلح ترکیه در مقابل دادگاه نظامی قرار دارند. برای آنان مجازاتهای سنگین تا ۳۰ سال زندان در نظر گرفته شده است. از طرف دیگر سازمان امنیت ترکیه اخیراً انتشار و توزیع ۲۱۰ کتاب مختلف را ممنوع کرده بقیه در صفحه ۳

نظری گذرا بر اوضاع داخلی ترکیه کودتاز بعد از گذشت تقریباً ۲۷ ماه از حکومت ترس و وحشت، خونخوئی نظامی ترکیه را به یک زندان بزرگ تبدیل کرده است. در طی این مدت بیش از ۱۷۰۰۰۰ نفر در سیاهچالهای حکومت نظامی کودتاجیان زندانی شده‌اند. طبق آمار رسمی تعداد زندانیان در ترکیه هم‌اکنون به بیش از ۷۷۲۰۰ تن می‌رسد که ۵۶۰۰۰ تن آنان بعلل سیاسی دستگیر شده‌اند. این حقیقت که از هر ۲۴۰ تن از افراد بالغ ترکیه یک نفر به دلایل سیاسی زندانی است، وسعت سیل این دست گیره‌ها را بیشتر آشکار می‌سازد. تا کنون بیش از ۸۰۰ تن بوسیله شکنجه، اعدام و اصابت گلوله به قتل رسیده‌اند. صدها تن به خارج تبعید شده‌اند و یا اینکه از آنها سلب ملیت شده است. از شروع حکومت کودتاز تا ۲۵ شهریور ۱۳۶۱ تعداد قربانیان تنها در اتحادیه سندیکا های کارگری ترکیه "دیسک"

# شورای نگهبان

بقیه از صفحه ۱  
اقتصاد کشاورزی را فراهم سازد . اما متاسفانه این ضرورت اساسی انقلاب تا بحال تحقق نیافته است . نزدیک به چهار سال است که پیوسته مالکین و آبنائیکه به بهانه های " شرعی " از منافع آنها دفاع می کنند ، با چنگ و دندان می کوشند از هر گونه اقدام جهت ضربه وارد آوردن به این پایگاه مهم ضد انقلاب جلوگیری کنند ، و تا بحال موفق نیز بوده اند .

اما مساله تنها به اینجا حتم نمی شود . در اینجا سخن از شورای نگهبان ، یعنی ارگانی است که باید حافظ و پاسدار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باشد . قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بصراحت بر جهت گیری نظام اقتصادی - اجتماعی کشور ما بسود محرومین و مستضعفین تاکید دارد . شورای نگهبان باید مراقب باشد تا مبادا قانونی که ناقض این جهت گیری است از تصویب بگذرد . اما با کمال تأسف می بینیم که اینطور نیست . اکثریت فقهای شورای نگهبان چندی پیش نیز از قبل آقا مهدوی کنی بصراحت قانون اساسی را به زیر علامت سوال برده بودند ، اما این بار آنها با رد قانون احیا و واگذاری اراضی مزروعی ، یعنی قانونی که بگفته آقای عباس شیبانی نمایندنده مجلس شورای اسلامی " تحت نظر مستقیم ولایت فقیه " تهیه شده است ، در حقیقت ثابت کردند که جدا مخالف اجرای قانون اساسی و مخالف حفظ بر دمی و جهت گیری ضد سرمایه داری ضد بزرگ مالکی است ، که امام خمینی آنقدر بر آن تاکید دارد .

اکثریت فقهای شورای نگهبان در استدلال خود در رد قانون مصوبه به مجلس شورای اسلام ذکر کرده اند که گویا فرمان امام خمینی دایر بر

دادن اختیار تشخیص ضرورت به اکثریت مجلس شورای اسلامی ، شامل این مورد نمی گردد . به این ترتیب نه تنها اعتبار و صلاحیت مجلس ، بلکه مقام و شان رهبر انقلاب را نیز ، زیر علامت سوال بردند . آیا شورای نگهبان قصد دارد فرمان امام خمینی را مسخ کرده و به " شیر بی یال و دم و اشکم " تبدیل کند ؟

گو اینکه اکثریت فقهای شورای نگهبان در استدلالات خود بسیار بر وجه شرعی قضیه تکیه کرده و آنرا دلیل مخالفت خود با قانون مذکور دانسته اند ، اما از آنجا که در گذشته نیز بوضوح ثابت شده است ، که آن " موازین شرعی " که شورای نگهبان بر آن تکیه می کند همانی نیست که مد نظر امام خمینی ، آیت الله منتظری ، آیت الله شهید بهشتی ، آیت الله مشکینی و سایر پیروان راستین امام خمینی است ، بنظر می رسد که علت اصلی رد قانون اصلاحات ارضی از سوی شورای نگهبان ، نگرانی اکثریت این شورا از پسه خطر افتادن بزرگ مالکان عارتگر باشد ، و این عملا چیزی نیست جز مخالفت صریح با برآوردن انتظار بر حق میلیونها دهقان زحمتکش ایرانی ، و در نهایت جدا کردن آنها از انقلاب و حاکمیت انقلابی .

براستی چه کنایاتی خواهان آنند که توده های مردم ، که بتصریح امام خمینی و همواره دولت مردان طراز اول خط امامی ، هممزمین تکیه گاه جمهوری اسلامی ایران هستند ، از انقلاب ما بیوس شوند و این شور و فد اکاری انقلابی که در مردم هست به سرچوردگی و ناامیدی بدل شود ؟ چه کسی می خواهد بزرگ مالکان همچنان بدعسارت و چپاول دهقانان زحمتکش ادامه دهند و از بسوی دیگر نقش منبع مهم تغذیه و حامی ضد انقلابیون در گوشه و کنار کشور را ایفا کنند ؟ آیا جز این است که جلوگیری از تصویب و اجسرای قوانینی نظیر قانون احیا و واگذاری اراضی

مزروعی ، که با همه ایراداتی که داشت ، می توانست زمینه قانونی شکستن کمربند مالکی را تشکیل دهد ، در حقیقت همکاری و همدستی آشکار با نیروهای نیست ، که بدستور دشمنان انقلاب و در رأس آنها آمریکا ، می خواهند جمهوری اسلامی را از پایگاه توده های آن ، یعنی محرومان و از جمله دهقانان زحمتکش جدا کنند ؟

وقت آن رسیده است که پیروان راستین خط امام که حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را در دست دارند با تکیه بر قانون اساسی ، رهنمودهای صحیح امام و پشتیبانی توده های میلیونی و نیروهای انقلابی ، برای همیشه امکان چنین کارشکنی هایی را از بین ببرند . ما در هفته گذشته متاسفانه شاهد بودیم که جریان راستگرای مخالف خط امام بسیار زیرکانه و هشیارانه تر از پیروان اصیل امام خمینی عمل می کند . هم اکنون ، بخدا از این اقدام شورای نگهبان ، روشن می شود که برخی موضوعی ها و اظهارات در هفته گذشته ( از جمله آنچه از سوی آقای حزلی ، عضو فقهای شورا ، نگهبان در سخنرانی پیش از خطبه نماز جمعه تهران در حمله به " مخالفین شورای نگهبان " عنوان گشت ) چه هید فی را دنبال می نرد و مژنه چه چیزی را می چیده است ؟

شواهد فوق نشان می دهد که راستگرایان با برنامه و آمادگی سیاسی - تبلیغاتی عمل می کنند ، که خود دلیلی بر این است که آنها یک " جناح " و " گروه " متخاص خود بوجود آورده اند .

اینک وقت آن رسیده است که مسلمانان انقلابی پیرو امام خمینی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران نیز قاطعانه و هشیارانه این مقاومت مدافعین کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی را در هم شکنند . زیرا بقول آقای موسوی اردبیلی : " امروز همین امروز فردا دیر است ، این لحظه ، همین این لحظه ، لحظه بعد دیر است " باید بفر محرومان بود .

## سوریه : نشان افتخار برای اتحادیه های کارگری

بقیه از صفحه ۵  
در مرکز توجه قرار خواهند گرفت . متفقا تاکید شد که شرکت زنان در زندگی سند یکنانی باید گسترش یابد . از پیش از ۲۶۵۰۰۰ عضو سند یها فقط ۸ درصد آنها یعنی ۲۰۰۰۰ نفر زن هستند در رهبری سازمانهای سند یکنانی نیز نمایندگان زن زیاد نیستند . اتحادیه های کارگری افزایش امر تشکل و سازماندهی زحمتکشان سوریه را خصوصا در بخش خصوصی یعنی جایی که فقط ۲۰ درصد کارگران آن عضو سند یگاه هستند ، یکی از مهمترین وظایف خود میدانند . این مسئله برای بکری نشانندن قانون کار ، بیهمه های اجتماعی و مراعات حقوق کارگران از اهمیت زیادی برخوردار است .

متاسفانه هنوز در یک سری از محیطهای کار بخش خصوصی ، اراده کارفرمایان حاکم است . باید با تشکیل کمیته های سند یکنانی در بخشهای خصوصی حق رای زحمتکشان در مورد دستمزدها ، استخدام و اخراج و حفظ کار و غیره در نظر گرفته شود . اتحادیه عمومی سند یگاههای کارگری سوریه به بهبود و تبحر اجتماعی کارگران و کارمندان اهمیت والا می دهد . باید از تعاونیهای خانه سازی برای

کارگران حمایت زیادی بشود . برای پنجمین برنامه ۵ ساله ، ۱۵۰ میلیون پوند سوری برای ساختن خانه های کارگری در حوالی مجتمع های بزرگ صنعتی در اختیار این تعاونیها قرار گرفته است . این امر کمک بزرگی به خانواده های کارگران برای بهبود محیط زندگی نموده و از راه درازی کسه کارگران باید تا رسیدن به محل کار طی کنند ، جلوگیری مینماید .

در حال حاضر در جمهوری عربی سوریه ۸۰ تعاونیه خانه سازی برای کارگران وجود دارند ، که بسا حمایت اتحادیه عمومی سند یگاهها و وامهای بزرگ برای کسانی که دارای درآمد کم یا متوسط هستند خانه میسازند . رسیدگی به وضع بهداشت زحمتکشان هم از وظایف مرکزی اتحادیه عمومی سند یگاهها ارزیابی شده است . اتحادیه تصمیم گرفت در سالهای آتی در اکثر نقاط کشور پلی کلینیکهای بیشتری ساخته و کارگران و کارمندان را بطور مرتب تحت معاینه پزشکی قرار دهند .

" راس البعثیت " چندین استراحتگاه دیگر خصوصا در سواحل دریای میانه برای زحمتکشان ساخته شود . در سالهای اخیر کوششهای زیادی از طرف اتحادیه عمومی سند یگاهها برای احداث کود کستانها و شیر خوارگاهها برای فرزندان زنان زحمتکش به عمل آمده است . اما کمبود این اماکن خود عاملی است که هنوز بسیاری از زنان از روند کار و تولید بدور مانده اند . برای تحقق امر احداث شیرخوارگاهها و کود کستانها ، اتحادیه عمومی سند یگاهها بطور تنگاتنگ با سایر سازمانهای توده های از جمله تشکیلات زنان همکاری مینمایند .

اتحادیه عمومی سند یگاههای کارگری سوریه یکی دیگر از وظایف مهم خود را بر طرف کردن بیسوادی و فراهم نمودن امکانات آموزشی برای زحمتکشان می داند . در این رابطه اتحادیه عمومی سند یگاهها به موفقیتهای چشمگیری نائل شده است از جمله : نزدیک به ۷۵۰۰ عضو سند یگاهها در چهار سال اخیر دوره سواد آموزی را با موفقیت به اتمام رساندند . در انستیتوی مرکزی سند یگاهها در دمشق ۳۲۰ کادر رهبری دوره های آموزشی را به پایان برد هاند . ۷۰۰۰ عضو سند یگاهها از سال ۱۹۷۸ تا کنون در مدارس سند یگاهها آموزش دیده هاند .

# بازی دوجانبه خطرناک

همزمان با کنفرانس سران ناتو در دسامبر سال ۱۹۸۲ که طی آن می بایست استراتژی ایالات متحده آمریکا از طرف شرکت کنندگان مؤثر پشتیبانی کامل قرار گیرد، روزنامه انگلیسی "گاردین" مقاله افشاگرانه ای به چاپ رسانده است. این نشریه تفسیر سران ناتو را "هیاری آتلانتیکی" توضیح داده و از جمله می نویسد: "واین برگر رئیس پنتاگون در یک دستورالعمل فوق العاده محرمانه به رؤسای نیروهای نظامی آمریکایی مستقر در اروپای غربی خواستار آمادگی این مسئله شده است که این نیروها در صورت لزوم بتوانند در کوتاه ترین مدت از محل استقرار فعلی خود واقع در اشتوتگارت آلمان فدرال به محلی بنام "های ویکامپ" در حوالی لندون منتقل شوند، تا بتوانند جزئی از "سیستم دستور و کنترل" سالم باقی مانده از یک جنگ هسته ای باشند."

راستی کدام دستورات باید از آنجا صادر شوند؟ آیا این گام پنتاگون هم دقیقه در چارچوب استراتژی ایالات متحده آمریکا برای ایجاد جنگ محدود هسته ای در قاره اروپا صورت نمیگیرد؟ همانطور که روزنامه های یورژوازی بزرگ غرب مثل "فرانکفورتر آلگماینه" چاپ آلمان فدرال هم اعتراف کرده اند: "ایالات متحده آمریکا این هدف را دنبال میکند که در صورت بروز یک تشنج سیاسی درگیری بتواند هدایت و هماهنگ کردن عملیات نظامی و اصولاً کنترل اوضاع عمومی را از شمال تا جنوب اروپا و فراتر از مرزهای ناتو تا قلب آسیای میانه بعهده بگیرد. ارگان مسئول این سیستم کنترل و هدایت هم باید در اصل رئیس قسوه نظامی مستقر در اروپای غربی ایالات متحده آمریکا باشند."

ژنرال آمریکایی راجرز تغییر مکان در نظر گرفته شده نیروهای خود به محلی که از "استحکام و امنیت" زیرزمینی بیشتری برخوردار است را به گفته همین روزنامه خصوصاً در رابطه با "یک جنگ احتمالی هسته ای با اهمیت تعیین کننده"، اقدامی "ضروری" و "هوشمندانه" خوانده است. ژنرال راجرز که بخاطر ساختار پرسنل ناتو در عین حال رئیس این پیمان نیز میباشد، در همین رابطه یکبار دیگر هرگونه انصراف از "ضربه اول امنی" توسط ناتو را رد کرد و گفت: "ما باید امکان استفاده از ضربه اول امنی را در کنار سایر امکانات حفظ کنیم. ما در عین حال باید طیف متعارف و کارساز از اسلحه های هسته ای ام از موشکهای کوتاه برد تا اسلحه های استراتژیک آماده نگاه داریم. وی نقل مکان مقر نظامی ایالات متحده از آلمان فدرال به انگلستان را از این نظر "ضروری" و "هوشمندانه" خواند، زیرا که به گفته او وضع اشتوتگارت در صورت آغاز یک درگیری امنی "وخیم" خواهد بود. واضح است که ایالات متحده آمریکا میخواهد برای این "جنگ محدود هسته ای" خود پای سرزمینها، قوای نظامی و مردم قساره

اروپا را بجان بکشد، اما خود ژنرال آمریکایی در راس ناتو و همراه نزدیکترین همکارانش میبایست در فاصله نسبتاً امنی از صحنه درگیری "قابل بقا" بمانند.

این بازی دوگانه واشنگتن یک وجه مرکب ساز دیگر خود را نیز در تکذیب پنتاگون نسبت به سه گزارش "گاردین" به نمایش میگذارد. پنتاگون با موضعهگیری خود و غیر دقیق خواندن این سه گزارش روزنامه انگلیسی اعلام نمود که مطالب نقتضی های دولت ریگان قرار است "یک سری" از چنین مقرهای "قابل بقا" برای رهبران نظامی آمریکا در اروپا ساخته شود.

( خود را کنار بکش و جانت را حفظ کن! )  
بعد از گریزها و مانورهای انحرافی اولیه، اکنون در د ولتهای اروپایی عضو ناتو در اعتماد

نسبت به "متحد آسوی اقیانوس" تردید بزرگی حاصل شده است.

در برنامه فعلی پنتاگون برای استقرار موشکهای "پرشینگ ۲" سه برابر رقم قید شده در تصویب نامه سال ۱۹۷۹، منظور شده است. تنها تا سال ۱۹۸۴ در ایالات متحده آمریکا ۲۰۰ کلاهک امنی برای این موشکها ساخته خواهد شد. چه کسی میتواند تضمین کند که ایالات متحده تا آن زمان در کشورهای اروپایی عضو ناتو سیستمهای جدید تسلیحاتی خود مانند بمب نوترونی و یا اسلحه های شیمیایی دو مرحله ای را مستقر نخواهد کرد. افشاگرهای تازه برنامه های استراتژیک واشنگتن یکبار دیگر نشان میدهند که مقابله با این سیاست تشنه فزاینی دیوانه وار کابینه ریگان تا چه اندازه دشوار است. این مراکز هدایت جنگ محدود هسته ای نیستند که قاره اروپا را قابل بقا میکنند، بلکه تنها راه نجات این قاره مبارزات متحد و مشترک حلقه های آن علیه برنامه های امپریالیسم و برای جلوگیری از فاجعه امنی است.



پنتاگون میکوشد علیرغم جنبش عظیم صلح در اروپا در سال جاری طبق تصویب نامه ناتو در سال ۱۹۷۹، ۱۰۸ موشک پرشینگ ۲ و ۴۶۴ موشک کوزوز در اروپای غربی مستقر کند.



## ترکیه عضو پیمان تجاوزی

بقیه از صفحه ۱

است. طبق اطلاع خیرگزارها تعداد زیادی از کتب اسلامی و کتب دیگر از کتابفروشیها در سراسر کشور جمع آوری خواهد شد. نمایش "انتخابات" و "رای به قانون اساسی" جدید "نیز از انزوای حکومت نظامی کودتاچیان امریکازده جلوه گیری نخواهد کرد. در حالیکه ژنرالها شرکت بیش از یک میلیون تن از افراد واجد شرایط را ممنوع کرده بودند و کارگران ترک مقیم خارج از کشور نیز حق رای نداشتند و

علاوه بر آن اوراق رای "آری" و "نه" رنگی بودند، به نحوی که در موقع انداختن آنها به صندوق نظر رای دهند معلوم می شد، عده زیادی به این "قانون اساسی" "نه" گفتند. بعد از اتمام انتخابات موج جدیدی از دست گیری افرادی که به قانون اساسی رای "نه" داده بودند، آغاز شد. هشدار! که خلقهای آزاد و صلح دوست حق دارند از همین انقلابی ما سوال کنند: "بگود وست کیست تا بگویم کیستی" این سوال از آنان که به دنبال روابط مودت آمیز با کودتاچیان ترکی و پاکستانی می گردند نیز سوالی است بجا.

# کارگران انقلابی سیلی محکمی به صورت بنی صدر نواختند

ایرانی بازسازی شده و اتمام آن را به هر کشوری که استقلال ما را نقض نکند، محول نماییم. طبعاً برنامه ریزی پیرامون مسایل فوق ضرورت تام داشته و ما کارگران مسلمان و متعهد این مجتمع وظایف خود را با همکاری مدیریت اسلا و انقلابی شرکت انجام خواهیم داد. . . . .

با توجه به تجربه مثبتی که در زمینه بازسازی کارخانه ها و پروژه های نیمه تمام و بالا بردن سطح و کیفیت تولید توسط کارگران و متخصصین ایرانی در سالهای اخیر حاصل شده است و آقای موسوی نخست وزیر نیز آنرا تأیید کرده اند، باید در پشتیبانی از این ناموسه کارگران خواستار اجرای این پیشنهاد شد. و ندان کسرم خورده امپریالیسم ژاپن را، کسسه به گفته حجت الاسلام رهنجانی اجناس را به ما به ارزی فریشت، ولی نفت مورد نیاز خود را با ارز ما از سرستان سعودی می خرد، کند و دور انداخت.

۴ سال از پیروزی انقلاب گذشته است و نمایی توان، به قول حجت الاسلام رهنجانی، به مردم پس از ده سال بگویم: مسد بستیم و آب هیدر رفت!

خواهد بسیرد! خوشبختانه زحمتکشان ایران با شم طبقاتی و انقلابی خود به این کوره راه ها قدم نمایی گذارند و چون کارگران، بنا به گفته امام خمینی "ستون انقلاب اند"، باید به آینده انقلاب خوشبین بود. اکنون توجه کنید، که کارگران چه سیلی داغی بر صورت بنی صدرها نواختند!

کارگرانی که در مجتمع پتروشیمی ایران - ژاپن کار می کنند، در نامه ای (اطلاعات ۴ دیماه ۱۳۶۱) از جمله می نویسند:

"نقش مهم پتروشیمی در اقتصاد ایران از کارخانجاتی که نقش مهمی در زیربنای اقتصادی ما دارد، کارخانه "پتروشیمی ایران - ژاپن" می باشد که هم اکنون بیش از هشتاد درصد از پروژه آن به اتمام رسیده و مابقی در اثر تحریم اقتصادی امپریالیست های جهانی و بسته دنباله روی از سیاست آنها، انحصار ژاپنی، کماکان با بهانه تراشی هایی، هر روز اتمام این پروژه را بیشتر به تاخیر می اندازد. ما کارگران زیر پوشش، بر این اعتقاد هستیم که این پروژه هرچه زودتر توسط نیروهای متخصص

یک زمانی بنی صدر کوشش می کرد، کسسه امپریالیسم از در رانده شده امریکارا، به کسک امپریالیست های "کوجسو" و "مامانسی" ژاپنی و اروپای غربی از طریق پنجره به ایران بازگرداند و از آن صحبت می کرد:

در مورد ژاپن و اروپا باید بگویم که ابر قدرت ها عرصه را بر آن ها تنگ کرده اند. ما یک زمینه مشترک با ژاپن داریم و آن این است که آن ها نیز مانند ما زیر شهیدید ابر قدرت ها زندگی هستند. آن ها به منابع انرژی ما احتیاج دارند و ما به تکنولوژی آن ها.

سابقه چنین نظریاتی را بعضی از مسئولین جمهوری اسلامی ایران این روزها هم بیان می کنند. عده ای هم دست از این بر نمی دارند، که هرطور شده امپریالیسم ژاپن را متقاعد سازند، که علیه منافق خود و برادر و آریاب بزرگش، امپریالیسم امریکا، با جمهوری اسلامی ایران نوعی "روابط مودت آمیز" برقرار سازد و کمک به رشد اقتصادی آن هم اقتصاد پایهای پتروشیمی ایران کند! این نصیحت کنندگان امپریالیسم ژاپن تصور می کنند، که اگر به اندازه کافی گفته و تکرار شود، آن وقت گویا "جاسقو دشته خودش را

## چه کسانی می طلبند: "جراغ سبزی را خاموش کنید" بقیه از صفحه ۷

اتحاد شوروی و نه کشورهای دیگر سوسیالیستی، به شهادت مطالب راد یوهای آنها و نوشته های مطبوعاتشان، تغییری نداده اند و همان طور که رفیق لیانوری هم بیان کرده است، با توجه به سه بعد عظیم ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب ما، تا زمانی که این بعد حفظ شود، اتحاد شوروی در سیاست پشتیبانی خود از این انقلاب تغییری نخواهد داد.

اما اکنون این سوال مطرح است، که چه کسانی از اتحاد شوروی می طلبند که او "جراغ سبزی" را که گویا روشن کرده است "خاموش کند"؟

آنها که شوروی و دیگر نیروهای ترقیخواه جهان را حداقل "دشمن دشمن" خود می دانند؟ و یا آنها که همانند یک بچه لجباز به خود همسه نوع "لگد پرانی" را حق می دهند، مغرورانه فقط نظریات خود را ختم کلام اعلام می کنند، اما انتظار شنیدن "بالای چشمه ابرواست" را هم ندارند؟ آیا وقت آن نرسیده است، که "چشم اسفند یاز" سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را از کزند القاعات امپریالیستی و تیر زهر آلود آن درمان کنیم؟

**برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق**

## انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی مردم مین ما به کدام سو خواهد رفت؟ بقیه از صفحه ۱

حق قانونی آزادی بیان و مطبوعات، حقوق فعالیت سیاسی دگراندیشان مدافع انقلاب را، به ویژه حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، تحقیق بختند. باید از نیروی لایزال خلق، همانند روزهای تسخیر لانه جاسوسی امریکا، برای اجرای قاطع و پیگیر فرمان امام مدد گرفت! فقط به کمک این نیرو است که می توان تحقیق انقلاب و جهت گیری ضد امپریالیستی و خلقی آن را تضمین کرد.

این مقاله روزنامه جمهوری اسلامی بیان خطر بسیار جدی مسخ فرمان امام است! یعنی خطری آن که این فرمان نتواند با تجهیز نیروی خلقی ایثارگر و آماده کمک به اجرای فرمان امام در مرحله فعلی "تسرد که بر که" "دانه ها درشت" را خنثی سازد و نتواند از این طریق قانون و حق را حاکم سازد، نتواند "تروزیست های اقتصادی" را از مواضع حساس اقتصادی دور سازد، نتواند آزادی را، که بخش جدانشدنی شعار بزرگ انقلاب است، تحقق بخشد، نتواند



انقلاب مردم مین ما به کدام سو خواهد رفت؟

# آفریقای جنوبی: مقاومت فراینده در مقابل رژیم آپارتاید

اخبار رسیده از جنوب قاره آفریقا تقریباً همه روزه جلوه‌ها و نمونه‌های تازه‌ای از درنده خوئی رژیم تبعیض نژادی را بنمایش می‌دهد. این سیاست نژاد پرستان آفریقای جنوبی عنصر مهمی از سیاست فوق تسلیماتی و تنش‌فزایی تعقیب شده از طرف هارترین محافل امپریالیستی، برای تخمین مناسب قوا در منطقه و عرضه جهانی است. رژیم پستو با اداه اشغال نامیبیا که مغایر حقوق خلقهاست با حمایت باند های ضد انقلابی در جمهوری خلق موزامبیک، با تجاوز مداوم به جمهوری خلق انگولا، با ارسال مزدور به جمهوری بیهل و با تازه‌ترین حلقه این زنجیر یعنی تجاوز دد منشانه به پایتخت لسوتو هدف بی ثبات کردن کشورهای آفریقایی متحد با سوسیالیسم واقعا موجود، از بین بردن استقلال ملی کشورهای از بند رسته و نابودی یا تضعیف جنبش‌های آزاد پیختر این منطقه را دنبال میکند.

واقعیت دیگری نیز هست و آن اینکه رژیم نژاد پرست پرتوریا از اهداف مورد نظر خود بیش از پیش برداشته است. شهروندان آفریقای جنوبی هر روز بیشتر



رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی برای اینکه بتواند نقش خود را بعنوان پایگاه و تک پیکان امپریالیسم استعمار و نظامیگری (رهبران پنتاگون این کشور را بعنوان پایگاه استقرار موشدهای بالدار در نظر گرفته‌اند)، و همچنین بعنوان منبع سود ورزی انحصار ت‌های امپریالیستی، بصورت لخواه و بطور دراز مدت ایفا کند، به گفته "مخمسین عربی قبل از هر چیز محتاج حداثر ثبات داخلی است". رژیم پرتوریا برای رسیدن به چنین "ثبات داخلی" و راه انتخاب نموده است: یعنی بزرگ کردن ظاهری سیستم آپارتاید با توسل به اقدامات بی اهمیت که مضمون این سیستم را دست نخورده باقی میگذارد و در عین حال در انظار عمومی جهان ۲۵ میلیی سیاهپوست این کشور این توهم را بوجود میاورد که مسئله تبعیض نژادی کام به کام در راه حل شدن است و دیگر اینکه رژیم آپارتاید با توسل به خشن ترین شیوه‌های سرکوب و ترور خواهان در هم شکستن مقاومت فعال همه نسانی است، که با سلطه اعلیت سفید پوست این کشور مقابله می‌کنند. اما گزارشات واصله از آفریقای جنوبی حاکی است از

به این موضوع پی می‌برند، ده تنه‌اراه رهائی ار تبعیض، استعمار و مقره اقدامات فعال علیه رژیم است. جوانان کشور نیز بطور روز افزون به کنگره ملی آفریقا یعنی ای. ان. سی. (ANC) جلب میشوند، یعنی همان سازمانی که از دیرباز در رأس مبارزه برای رهائی آفریقای جنوبی قرار دارد. وقتی که در ماه ژوئن ۱۹۷۱ فیم سووتو از طرف نژاد پرستان در خون و اتک غرق شد، وسائیل ارتباط جمعی عرب حدس میزدند که روح مبارزه جویانه آفریقای جنوبی در هم شکسته و یا حداقل برای مدتی طولانی فرو نشر نموده است اما واقعیت این حدسیات را خیلی زود به رویتا بدل کرد تجربه سووتو جوانان مبارز ای. ان. سی. را مصمتر نمود و این واقعیت بیش از هر چیز چهار خود را در عملیات مسلحانه موهفیت امیز و متهنواره این جوانان علیه نهاد های سرکوب و تسلط سیستم موجود مانند پاسگاههای پلیس، بانکها، مراکز ارتباطی و اقتصادی، پادگانهای نظامی و ترابری نمایان میسازد.

هر قدر موهفیت‌های میهن دستان بزرگتر میشود، عکس العمل نژاد پرستان غضبناکتر و وحشیانه‌تر میشود. این موضوع را محلولمیت‌های اعدام بیادگاه های ارباب رژیم بوتو در مورد "آنتونی تسوتسو سبه، یوهانس شایانکو، د یوید مویس، جری موز ولوبی سیمون موکوران، هارکوس موتانگه" اثبات میکند. تنها جرم این شرجوان مبارز ای. ان. سی. اینست که آنها در صفوف شاخه نظامی نژاده ملی آفریقا بنام "پیکان خلق" که در سال ۱۹۶۱ تاسیس شده است، برای حقوق قانونی خود علیه یک سیستم جابر و غیر انسانی مبارزه مسلحانه میکنند. میهن دستان آفریقای جنوبی در مبارزه حقوق طلبانه خود نیازمند همبستگی همه نیروهای مترقی جهانند. ما همراه با میلیونها انسان دیکسرد سرتاسر جهان خواهان لغو احلام اعدام و آزادی فوری همه میهن دستان آفریقای جنوبی که در بند نژاد پرستان قرار دارند، هستیم.

## سوریه: نشان افتخار برای اتحادیه‌های کارگری

با انتخاب ۵۱ نفر اعضای هیئت اجراییه و شورای مرکزی، اخیرا بیستمین کنگره اتحادیه عمومی سندیکا های کارگری سوریه در دمشق پایتخت این کشور به پایان رسید. این کنگره و انتخابات آن در سطوح پانزده تا نوزده سازمانهای سندیکایی، فضل والائی در زندگی بیش از ۲۶۵۰۰۰ اعضای سازمانهای سندیکایی جمهوری عربی سوریه گشودند. حافظ اسد رئیس جمهور سوریه در مراسم گشایش کنگره، در مقابل بیش از ۲۰۰ نماینده، کارائی عظیم طبقه کارگر کشور را در همه زمینه‌های اجتماعی ستو نقش اتحادیه عمومی سندیکاها در تقویت بنیه اقتصادی کشور خصوصا در بخش دولتی، در افزایش

تولید، در تعمیق دستاوردهای مترقی و دفع نقشه‌های ارتجاع داخلی و خارجی، بیشتر از همه چیز مورد تقدیر قرار گرفت. حافظ اسد بخاطر قدردانی از کارائی طبقه کارگر سوریه در سالهای اخیر، از طرف حزب سوسیالیستی عربی یعت سوریه عالیترین نشان دولتی (نشان اوامیدن) را به اتحادیه عمومی سندیکاهای کارگری اعطا کرد. روح کنگره بیستم سرشار از کوشش در راستای فعال کردن هر چه بیشتر جنبش سندیکایی و تبدیل هر چه بیشتر آن به ابزار واقعی نمایندگی منافع طبقه کارگر برای احقاق حقوق سیاسی و اجتماعی، با بردن سطح زندگی و بهبود وضع خدمتگشان، حفظ

دستاوردهای اجتماعی-اقتصادی در مقابل هر گونه دستبرد از داخل و خارج، شرکت دادن هر چه وسیعتر زنان در زندگی اجتماعی و افزایش نقش سندیکاهای کارگری در دفاع از سرزمین پدیری در مقابل نقشه‌های تجاوری اسرائیل بود. در کنار آن تحکیم اتحاد سندیکاهای کارگری با حزب بعثت و جبهه مترقی ملی مورد تاکید قرار گرفت. اتحادیه‌های کارگری حوالهان آتند، که نیرومندتر از قبل در چارچوب شورای خلقی سوریه و پارلمان این کشور، در شکل دادن به سیاست اقتصادی و اجتماعی شرکت فعال داشته باشند. ادامه مناسبات مرکزیت د مکرانیک در همه زمینه‌ها، فعال کردن حدود ۴۰ سازمان آموزشی و تحقیق پیگیر امر کنترل کارگران در محیطهای کار و نهادها، از دیگر کارهای مهم اتحادیه عمومی سندیکاهاست، که در سالهای آتی بقیه در صفحه ۲

# چه کسانی می طلبند: "چراغ سبز را خاموش کنید"

سیاست شوروی ستیزی در میهن انقلابی ما اوج چشمگیری در ماهها و هفته های اخیر نشان می دهد .

بهبانها و دستاویزها ، همانند انگیزه های شوروی ستیزان رنکارنگ است ؛ از "میگ ۲۵" تا حوادث افغانستان ، از اوضاع لهستان تا حمله موشکی صدام متجاوز و جنایتکار به شهر قهرمان پرور و حماسه ساز دزفول .

آنچه که شوروی ستیزان حرفهای و "سیاست بازانی از قماش قطب زاده و قطب زاده های پسند شناخته نشده در این میانه می گویند و می نوب روشن است . آنها وظیفه خود را انجام نمی دهند و "تان" خود را می خورند . پاسخی به آنها به اندازه کافی و بالحن شایسته داده شده است .

روی سخن با آنهایی است ، که با مسئولیت در مقابل انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی میهن ما ، به محتوای جنایتکارانه دستور برژینسکی علیه انقلاب ما پی برده اند و یا مایلند پی ببرند . آنهایی که بیان امام خمینی را آویزه گوش کرده اند که ما را از کید های امپریالیسم امریکا ، که با ما تا ۵۰ سال دیگر هم سرچنگ دارد ، بر حذر می دارند .

روی سخن با آنهایی است که با شم سیاسی خود و با درک روشن و عقلانی خود و با تجربه خود و خلقهای انقلابی دیگر به این واقعیت پی برده اند و می خواهند پی ببرند ، که سیاست کشورهای سوسیالیستی و در رأس آن اتحاد شوروی در برخورد و پشتیبانی از نبرد آزاد پیخش خلقها ، در مقابل انقلابات ضد امپریالیستی ، یک سیاست اصولی و پایدار است .

نوعه های زیادی در تأیید این واقعیت می توان برشمرد ، که طیف آنها از انقلاب کوبا تا ویتنام ، از انقلاب کشورهای آزاد شده آفریقای و آمریکای تا انقلاب میهن ما و خلق فلسطین می رسد .

این سیاست اصولی و پیکر کشورهای سوسیالیستی از تحلیل دقیق و همه جانبه روند انقلاب جهانی برای براندازی سرمایه داری و تحقق حق خلقها در تعیین سرنوشت خود و برخورداری از استقلال رشد و شکوفائی خلقها نشأت می گیرد .

کسانی اما پیدا می شوند ، که با آنکه هر روز با اخبار خرید اسلحه توسط عراق از فرانسه و بنا دریافت کمک های نظامی توسط عراق از کشورهای دیگر امپریالیستی و نوکران آنها روبرو هستند ، خود را عاجز از درک سیاست اصولی اتحاد شوروی نشان می دهند و یا عمدا سیاست اصولی اتحاد شوروی را حاشا می کنند .

آنها می خواهند به خلق القا کنند ، که اتحاد شوروی با وجود احاطه کامل به اوضاع جهان و منطقه ، از جمله به اوضاع داخلی عراق ، گویا از این بی اطلاع است ، که صدام همانند خلفش سادات به دامن امپریالیسم افتاده است و لذا " میگ ۲۵ " و یا " موشک اسلات " ، که گویا اتحاد شوروی به صدام داده است ، قبل از آن که بسه

دست ارتش صدام بزند ، در اختیار استراتژیهای نظامی و فنی امپریالیسم امریکا قرار خواهد گرفت و پیش از اینکه مورد استفاده ارتش متجاوز صدام قرار گیرد . در خدمت کارکنان امریالیستی از جمله اجرا کنندگان طرح برژینسکی ، در خواهد آمد .

کسانی که به چنین سخافتی از طرف اتحاد شوروی باور دارند و یا وانمود می کنند که باور دارند ، از دور و کره تشکیل می شوند :

اول - آنها که دستور برژینسکی را اجرا می کنند ، که طالب ایجاد و تشدید "جوسو" ظن بین ایران و همسایگان ، به ویژه بین چ ۱۰۱۰ و اتحاد شوروی شده بود .

دوم - آنهایی که در چاله کنده شده توسط گروه اول می افتند . و با ارائه این چنین تصویری سطحی و کم عیار از سیاست اصولی اتحاد شوروی در تحلیل نهائی سند ناپختگی و بی تجربگی خود را ارائه می دهند .

اگر بی تجربگی گناه نیست ، بارها و بارها در چاله " فروش اسلحه شوروی به عراق " که توسط برژینسکی و اذ نایش کنده می شود ، افتادن ، و نیاموختن ، گناه کبیره است !

## سردرگمی چگونه ایجاد می شود ؟

با افتادن مکرر در چاله برژینسکی ، انسان دچار تضاد می شود و تپشه به ریشه خود می زند . نمونه زنده این تناقض کوشی در مقاله روزنامه کیهان که در آن نکات مثبت جدی و تحلیل واقع بینانه ای از سیاست امپریالیسم در منطقه ارائه شده است ، دیده می شود (این مقاله روز ۲۲ دی از صدای چ ۱۰۱۰ پخش شد) .

در این مقاله نویسنده به درستی به تشدید خطر تجاوز متعظیم امپریالیستها به ایران ، که با ایجاد "مرکز فرماندهی سیاسی - نظامی" امپریالیسم در منطقه به مرحله تهنیتی قدم گذاشته است ، اشاره می کند . وی غلام این تشدید خطر را با جمله " فعل و انفعالات سیاسی - نظامی در منطقه خلیج فارس " ترسیم کرده و نقش جنایتکارانه و وظائف و مسئولیت های تازه " امپریالیسم فرانسوا در جوار امپریالیسم امریکا بر می شمرد . وی وزن " ملاقات " طارق عزیز با مسعود رجوی را در این فعالیتها تعیین کرده و " موضع اخیر (خصمانه) دولت کویت (را) نسبت به انقلاب اسلامی در استراتژی کنونی امپریالیسم جهانی " افتاء" می کند و نتیجه می گیرد که : " به نظر می رسد که امریکا طرح تازه ای در دست دارد که با کمک همه جریانات منطقه کار انقلاب اسلامی را یک سره کند . . . . "

البته این طرح جدید نیست ، این طرحی است که حزب ما آن را از مدت ها پیش افتاء کرده است و رفیق کیانوری ، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران آنرا " توطئه نهم " امریکا نام نهاده است . تدارک این توطئه را ، که دنباله منطقی شکست زطنه های هشتگانه امپریالیسم امریکا است ،

امپریالیسم امریکا با نامه معروف برژینسکی به ویش آغاز کرده بود و راه اجرای آن را نشان داده بود . برژینسکی در این نامه با صراحت نوشت : رئیس جمهور هم چنین خاطرتان ساختن است ، که لازم است جوسو ظن و عدم اعتمادی را کمین ایران و همسایگان وجود دارد ، مورد بهره برداری قرار داد . رئیس جمهور معتقد است که پایان حمایت ساسی از جمهوری اسلامی خمینی ، خصوصا توسط اتحاد جماهیر شوروی ، حتما به تعصیف مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد .

و "حجت الاسلام" موسوی ، رهبر مسلمانان امریکا " (لوس آنجلس تایمز) آنرا به عنوان سیاست نو ده و شوروی ستیزی ترجمه و اجرای آن را توصیه کرد . (راه نو ده شماره ۷) و قطب زاده ها ، کشمیری ها و و شناخته نشده ، با عمامه و بدون عمامه ، با نعرش و ریش جوی ، با نسبیج و بدون آن و با سرمایه "حلال" و یا مالکیت "متروغ" بسه اجرای آن همت هاشند .

برژینسکی و اذ نایب راسترا و عمال نشناخته او می دانستند و می دانند ، که برای سرکسوب انقلاب ایران و آماده ساختن شرایط تجاوز متعظیم امپریالیسم امریکا به ایران دو پیش شرط لازم است : اول - ناراضی کردن اقشار و طبقات مدافع انقلاب به ویژه زحمتکشان شهر و روستا ، روشنفکران ، زنان و دیگر اقشار ضد امپریالیستی و

دوم - قطع پشتیبانی همسایگان ایران ، به ویژه اتحاد شوروی و کوشش برای از بین بردن مرز های مطمئن و صلح آمیز بین ایران و اتحاد شوروی و افغانستان .

نویسنده مقاله روزنامه کیهان به روشنی نتایج این سیاست امپریالیستی را شناخته است و " طرح تازه " امپریالیسم امریکا را ، که می خواهد " با کمک همه جریانات منطقه کار انقلاب اسلامی رایک سره کند " افتاء می کند و تصریح می کند ، که این طرح هر چه باشد ، نمی تواند بدون چراغ سبیز همسایه شمالی ایران به مرحله اجرا در آید . . . . " وی سیاست شوروی ستیزی و ستیز علیه جمهور دموکراتیک افغانستان و " نیز عوامل متعدد دیگر (۱) را سیاست مستقل ایران از زیبایی می کند ، که باعث " ناکامی " اتحاد شوروی در " جلب انقلاب اسلامی ایران " به بلوک شرق " شده است .

به نظر نویسنده مقاله گویا در نتیجه این " ناکامی " است که اتحاد شوروی " سیاست خارجی ایسران را به تأیلات غربی متهم می کند " . وی سپس در تحلیل خود به اینجا می رسد ، که امپریالیسم امریکا از آنها مات شوروی به سیاست خارجی چ .

بقیه در صفحه ۷

(۱) امثال پاسخ وزارت امور خارجه ایران به نامه اعتراضیه وزارت امور خارجه اتحاد شوروی در مورد "تظاهرات" عناصری در مقابل سفارت شوروی در تهران و تهدید کارکنان آن و یا این که ایسران همانند پاکستان کودتازده آماده مذاکره با دولت افغانستان برای عادی کردن روابط خود با آن نیست .

# چه کسانی می طلبند: "جراغ سبز را خاموش کنید"

بقیه از صفحه ۶۱

۱۰۱۰ این نتیجه را گرفته است، که اتحاد شوروی "جراغ سبز" را برای سرنگونی ج ۱۰۱۰ روشن کرده است. وی در توضیح این تصور می نویسد: "۰۰۰ بنابراین از نقطه نظر امریکا و مرتجعین منطقه ۰۰۰ انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی در منطقه و جهان منزوی شده و حتی از حمایت های جهانی شوروی محروم مانده است. ( به عبارت دیگر برزیسکی به کمک دستیاران ایرانی خودش به هدف خود رسیده است) لذا برای ضربه زدن به انقلاب اسلامی فرصت مناسبی پیش آمده است." وی مرحله جدید سیاست امپریالیستی را نشانه این تحلیل امپریالیسم می داند. وی می نویسد: "به همین دلیل می بینیم در سیاست امریکا و فرانسه و مرتجعین منطقه نسبت به انقلاب اسلامی ایران تعرض آشکاری پیدا شده است."

در دنباله مقاله نویسنده به نقش رژیم صدام در نزدیکی به اسرائیل، سیاست کشورهای "میانروی" خاور نزدیک و موضع خیانت آمیز رهبری مجاهدین که "آماده هرگونه همکاری با این تلاشهای امپریالیستی و صهیونیستی است" می پردازد. وی سپس از "عصیانیت" رهبران کرملین از سیاست "مستقل نظام جمهوری اسلامی ایران" نتیجه می گیرد، که احتمالاً اتحاد شوروی "چشم خود را بر آنچه از سوی امپریالیسم جهانی علیه انقلاب اسلامی ایران انجام می شود، خواهد بست. وی می نویسد "شوروی معتقد است که هر تحول اجتماعی می بایست به تحکیم اردوگاه سوسیالیسم منجر شود، اگر جز این باشد، این تحول اجتماعی به درد نمی خورد." و چون در ایران چنین نشده است، لذا "اخیراً در لحن رهبران شوروی تغییری در برخورد به جمهوری اسلامی ایران ایجاد شده است."

وی مدعی است که این تغییر لحن (۱) به این علت است "که اگر خدای ناکرده از ناحیه امپریالیسم جهانی آسیبی به انقلاب و نظام ج ۱۰۱۰ برسد، کرملین خود را در این زمینه بی تصمیم بداند و بگوید ما به انقلاب اسلامی نصیحت کردیم ۰۰۰ اما این نصیحت ها با بی میلی رهبران ایران روبرو شد." در خاتمه نویسنده بدون هر نوع برخورد انتقادی به سیاست شوروی ستیزی افغان شده از طرف عا و نیروهای در ج ۱۰۱۰، که عواقب منحوس و برزیسکی شاد کن آن، به گفته خود نویسنده، در شرف تکوین است، از اتحاد شوروی می طلبد که اگر "برای خلقی از بند رسته ارزش قائل است" چراغ سبز خود را خاموش کند. "

## "چشم اسفندیار" سیاست خارجی خود را حراست کنیم!

مشکل نویسنده مقاله روزنامه کیهان و همسه آنهاست که در چاله های برزیسکی می افتند، آن است که به خاطر پیشرداری های خصمانه و زهر شوروی ستیزی تاریخی که به جان شان رفته، نمی بینند که پشتیبانی اتحاد شوروی از انقلاب ما، از جمله با هشداری برزیسکی در نوامبر ۱۹۷۹،

که طی آن امپریالیسم امریکا را از دخالت در امر داخلی ایران برحذر داشت، برجسته شد، پس از انقلاب نیز همچنان ادامه یافته است. اتحاد شوروی در افشای دسیسه ها و توطئه های امپریالیسم امریکا علیه انقلاب ما، در شکستن ستیجات محاصره اقتصادی "ایران، از جمله با قرارداد معروف ترانزیت که به قول وزیر ترابری ایران در مجلس شورای اسلامی "یک طرفه به نفع ایران است"، در کنار انقلاب ما قرار دارد. اکنون هم اتحاد شوروی با وجود تمام برخورد های توهین آمیز عناصر دشمن و "دوستان نادان" انقلاب ما به آن، با متخصصین خود در تئو و بازسازی پیش از ضد پروژه اقتصادی به میهن ما کمک می کند. اتحاد شوروی برای این کمک ها خود، به پیروی از سیاست احترام به حق حاکمیت و استقلال ایران، نه فقط شرطی را تعیین نکرده است و نمی کند، بلکه از هر امکانی برای توسعه و گسترش همکاری ها به منظور بر طرف ساختن نیازهای ایران و بر مبنای سود متقابل پافشاری می کند. اتحاد شوروی آمادگی خود را برای ارائه هر کمکی که ایران نیاز داشته باشد اعلام کرده است. اتحاد شوروی، همانند دیگر کشورهای سوسیالیستی آمادگی خود را اعلام کرده است که ضمن توسعه روابط اقتصادی به سود طرفین هر تلاشی را که ایران عرصه کند بخرد و هر تلاشی را که ایران احتیاج دارد، در اختیارش قرار دهد، حتی اگر خود تولید کننده کالا هم نباشد.

اتحاد شوروی بارها و اخیراً در اعلامیه خبرگزاری تاس (راه توده ۲۴ دی ۶۱) آمادگی خود را برای خروج "بخش های محدود سربازان" خود از افغانستان، همزمان با قطع دخالت مسلحانه خارجی در امر داخلی افغانستان، اعلام کرده است.

اما جمهوری اسلامی ایران به جای اعلام آمادگی برای مذاکره و یافتن راه حل در این مورد به همان راهی رفته است و در این ابتیاه خود پافشاری می کند، که مرتجع ترین و دست نشانده ترین عناصر منطقه قدم گذاشته اند و به امید واهی ایجاد "ستام شوروی در افغانستان" با مداخله بی پرده در امر داخلی افغانستان، از ایجاد محیط آرام سیاسی برای حل مسئله جلوگیری می کنند. مداخله خارجی ای که در پاسخ وزارت امر خارجه ج ۱۰۱۰ به نامه اعتراضیه وزارت امر خارجه اتحاد شوروی با اشاره به "همدردی" با "برادران افغانی" تلویحاً مورد حمایت قرار گرفته است. و ایران را در صف دیگر حامیان این "برادران مجاهد افغانی"، که پاکستان کودتسا زده، مصر امریکازده و آقای برزیسکی که به بازدید اردوگاه این "برادران افغانی" رفت، فرار داده است.

مشکل نویسنده مقاله کیهان و همه آنهاست دیگری که به درستی معتقد اند که تا زمانی که "حمایت های جهانی شوروی" از انقلاب مردم میهن ما ادامه داشته باشد "انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی در منطقه و جهان منزوی" نشود است، در آن است، که سیاست "مستقل نظام

جمهوری اسلامی ایران" را، که تحت عنوان شعار "نه شرقی و نه غربی" اعلام می شود با "موازنه منفی" در ستیز به حق با امپریالیسم امریکا، دشمن بزرگ مردم میهن ما و شوروی ستیزی یکی می دانند این سیاست "موازنه منفی" القاء شده توسط برزیسکی و اعمال شده توسط قطب زاده معدوم و قطب زاده های هنوز فعال، "چشم اسفندیار" سیاست خارجی ایران را با تیر آغشته به زهر شوروی ستیزی مورد هدف قرار داده است، تا ایران به دست خود امکان دریافت و برخورداری از "حمایت های جهانی شوروی" را از بین ببرد و پشتوانه جهانی انقلاب را از دست بدهد.

هیچ کس از ج ۱۰۱۰ به عنوان یک پیش شرط طلب نمی کند، که برای کمک برادرانه اتحاد شوروی به افغانستان حتی تفاهم داشته باشد، تا مورد "حمایت های جهانی اتحاد شوروی" قرار گیرد. اما این انتظار را از درایت مسئولان دست اندر کاران و دولتمردان ج ۱۰۱۰ می توان داشت، که برای حل اختلافات به راه مذاکره با دولت مستقل و صاحب حق حاکمیت افغانستان قدم بگذارند و از این طریق یک تمایز در سیاست خود با سیاست آقای برزیسکی و کارتر، هیک و ریگان، ملک خالد، و ضیا الحق نشان دهند.

این پیشداری و عدم درک اوضاع مشخص جهانی است، که گفته شود "شوروی معتقد است که هر تحولی می بایست به تحکیم اردوگاه سوسیالیسم منجر شود." درست آن است که تمام نیروهای ترقی خواه جهان در عمل فیراتیک انقلابی و اجتماعی خود به این نتیجه رسیده اند، که "هر تحول اجتماعی" که بخواهد پابرجا بماند و "در جامعه بشری پدیده های جدیدی عرصه کند" (مقاله کیهان)، "آنوقت می بایست" در سیاست ضد امپریالیستی خود بپیکر باشد!، "می بایست" با دشمن قاطعانه و دشمنانه برخورد کند. و اگر "هر تحول اجتماعی" چنین سیاستی را دنبال کند، آنوقت جای خود را در اردوگاه عظیم جهانی ضد امپریالیستی، در کنار خلق های آزاد شده دیگر و هم صفا کشورهای سوسیالیستی و جنبش های مترقی کارگری خواهند یافت. کوشش امپریالیسم برای القاء سیاست "موازنه منفی" شوروی ستیزی و ستیز به حق با امپریالیسم هم درست برای جلوگیری از جهت گیری "مستقل" جنبش های آزادی بخش است!

تجربه انقلاب های خلق ها نشان داده است، که فقط آن انقلاب ها که جای خود را در اردوگاه ضد امپریالیستی یافته اند، پابرجا مانده اند و از درون مسخ نشدند و توانسته اند "پدیده های جدیدی عرصه" کنند. حتی یک نمونه عکس این واقعیت را نمی توان برشمرد!

البته بین دوستان و هم جبهه ای ها اختلاف نظر وجود دارد. این امری است طبیعی. غیر طبیعی آن است، که مادر چاله ای که دشمن کند است بیفکیم و نتوانیم با دست و پا جدا قائل "دشمن دشمن" خود، با زبانی دیگر، یعنی با زبان قاطع و صریح، اما دوستانه صحبت کنیم. بلکه همان زبان را به کار گیریم که با دشمن به کار باید گرفت: زبان قاطع و صریح و دشمنانه!

در سیاست دفاع و پشتیبانی از انقلاب ما نه بقیه در صفحه ۴

# در هفته‌ای که گذشت:

## جبهه متحد ضد آمریکائی و ضد صهیونیستی

حجت الاسلام خامنه‌ای در دیداری با وزیر نفت لیبی که در رأس یک هیئت اقتصادی از کشور مان دیدن میکنند ، با اشاره به نفوذ روز افزون امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم امریکائی در منطقه و وابستگی هرچه بیشتر دولتهای مرتجع منطقه به آمریکا گفت:

" کشورهای مترقی باید در جهت ایجاد یک جبهه ضد امریکائی و صهیونیستی تلاش کنند ( بویژه تقویت جبهه پایداری می‌تواند یکی از تلاشهای عمده ما باشد ) "

ایشان افزودند:

" دولتهای مترقی میباید نقش اساسی در جلوگیری از نفوذ آمریکا در منطقه داشته باشند و در مقابل فشارهای سیاسی و تبلیغاتی آنان مقاومت کنند . "

رئیس‌جمهور با اشاره به وضع بین‌المللی نفت گفت:

" مسئله مهمی که هم اکنون برای دنیای اسلام و عرب وجود دارد، این است که دولتهای مرتجع به چه حقی این سرمایه عظیم را در خدمت مصالح آمریکا قرار می‌دهند و می‌خواهند با درآمد حاصل از فروش نفت وسیله‌ای برای مقابله با ایده‌های انقلابی و اسلامی در منطقه بدست آورند این مسئله‌ای است که باید جدا در مقابل آن مقاومت شود . "

## پنجمین کنفرانس فوق العاده جنبش غیرمتعهدها

پنجمین کنفرانس فوق العاده دفتسر هماهنگی جنبش غیر متعهد ها در ماناکوئه پایتخت نیدارا - کوئته برگزار شد . در این کنفرانس ۱۰۰ هیئت نمایندگی و تعدادی ناظر و میهمان شرکت داشتند این اولین کنفرانس بود که موضوع بحث آن را بویژه مسائل آمریکای لاتین و حوضه دریای کارائیب تشکیل میداد . اکثر کشورهای شرکت کننده در این کنفرانس اعلام کردند که تشکیل این کنفرانس در نیکاراگوئه نشانه همبستگی عمیق این جنبش با مبارز ضد امپریالیستی خلق نیکاراگوئه و پشتیبانی از این کشور انقلابی در برابر تجاوزات مکرر عمال امپریالیسم آمریکاست . دکتر علی اکبر ولایتی ، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز که در این کنفرانس شرکت داشت موضع دولت را در پشتیبانی از انقلاب نیکاراگوئه اعلام و عملیات خرابکارانه امپریالیسم آمریکا در برابر این کشور انقلابی را محکوم ساخت . در مشاوت ۵ روزه این کنفرانس اوضاع متشنج آمریکای مرکزی ، خطرات سیاست تجاوز کارانه آمریکا در منطقه و موقعیت بخرنج اقتصادی کشورهای این قاره مورد بحث و بررسی قرار گرفت . در سند نتایج بقیه در صفحه ۹

# باید در فکر کارگران باشیم، همین امروز، فردا دیر است

و کم کاری حرام است برای این راهی گذاشته یا اینکه این مشکل باید بماند . همه اینها را باید قانون کار حل کند . قانون کار را باید کسی بنویسد که با کارو کارگر سروکار داشته باشد قانون کار را کیست که نداند اگر هرکس بایک مشکل و با یک مسئله آشنایی نداشته باشد مواظبت کامل و پیشگیری کامل را نمی‌تواند انجام دهد . من ندانم در این محیط چه می‌گذرد و آشنایی به این محیط نداشته باشم چگونه برای این محیط قانون بنویسم .

شناخت کار و کارگر نیاز کار و کارگر صلاح کار و کارگر یک مسئله ساده زیر پا افتاده نیست یک مسئله برچیده است . تا کی ما میتوانیم مسئله ساده گرفتن یک کارگر سرکوجه برای تمیز باغچه با یک کارگر تولیدی را مقایسه کنیم و یک حکم را برای هردو اجرا کنیم . ما نباید به این کارگران به این دنیا چنین بگوئیم که اسلام طرحی بسری حل مشکلات کار و کارگر ندارد و این خیانت به اسلام است . ما اسلامان چهارده قرن پیش از این بود چهارده قرن است که در اسلام بحث های اسلامی فقه بسیار غنی داریم . از من من پرسند آقا بیمه کارگر با اسلام مخالف است ، می‌گویم نه می‌گویند در رساله نوشته است بیینم مگر در رساله نوشتند این آقا وزیر است مگر وزیر را در رساله می‌نویسند .

" اسلام اینست که کارگر هیچ آتیه ای نداشته باشد ؟ اسلامی این است که کارگر هیچ امنیت شغلی نداشته باشد ، اسلامی این است که بخش خصوصی هرچه گفت کارگر بگوید چشم و هر وقت خواست بچنبد بگوید برو بیرون ؟ اسلامی این است ؟ اسلامی این است کارگر ساعت کارش معین باشد درآمدش کفاف مخارجش بکند مسائل حل شود . "

" آیا اسلام جامعه‌ای را می‌خواهد و طرحی را می‌پسندد که امکانانش در اختیار همه باشد ؟ یا تمام امکانات در اختیار یک عده افراد معین و محرومیت برای دیگران ؟ اسلامی می‌گوید امکانات مال یک گروه ، کار مال گروهی دیگر ؟ اگر این جور اسلام را معرفی بکنیم ، میدانید چه خیانتی به اسلام کردیم ؟ "

" من امروز به شما در این اجتماع قول می‌دهم اسلامی که راه را ببندد مسئله کارگر را غیر قابل حل بگذارد ما چنین اسلامی نداریم . "

در هفته گذشته نیز علیرغم کوششهای نیروهای معینی برای مسکوت گذاشتن بحث در مورد پیش‌نویس قانون کار ، دستپخت آقای توکل‌ی و سرکار در مرکز توجه مسئولان معتمد و پیروان راستین خط امام قرار گرفت و به عنوان موضوع بحث اصلی مشکل ها و محافل کارگری و اندکبار عمومی باقی ماند .

در سمینار بررسی پیش‌نویس قانون کار ، که به دعوت کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار خانات وابسته به خانه کارگر روز ۱۵ دیماه با حضور بیش از دو هزار تن از نمایندگان شوراهای وانجمن های اسلامی برگزار شد . آیت الله موسوی اردبیلی طی سخنانی گفت:

" ما امروز همین امروز فردا دیر است همین لحظه لحظه بعد دیر است باید در فکر این طبقه باشیم فخری فخر کار فکر کارگر "

" مسئله کار در این مملکت باید حل شود مسئله کار و کارگر چیست ارج کارو کارگر ، مقام کارو کارگر ، نیاز کار و کارگر صلاح کار و کارگر از کجا شروع کنیم ، ما در آجای مسئله هستیم هنوز از کارگر نیرو می‌گزیم . اما هنوز مسئله مسکن برای کارگر حل نشده مسئله بهداشت برای کارگر حل نشده و مسئله خدمات برای کارگر حل نشده و مسئله پیش‌آمد های غیر قابل پیش‌بینی ، افتات شکستن ، معلول شدن ، هنوز حل نشده مسئله آموزش برای کارگر حل نشده مسئله سلامتی مزاج برای کارگر حل نشده ، کیست که نهمید درآمد روزی ۱۰۰ تومان ، ۱۵۰ تومان با مخارج بالا ، این درآمد غیر قابل تحمل است . ما سطح بالای تولید می‌خواهیم حق هم داریم خودکفای می‌خواهیم حق هم داریم اما به چه وسیله به چه امید و چه انگیزه و چرا ؟ "

این ها را چه کسانی باید تامین کنند این گروه بدست چه کسی باید باز شود . در کشور های دیگر با تعطیلی ، با اعتصاب با هر چه مرج با حرکت های مخالف شروع می‌کنند کشور اسلامی که نباید اینجوری باشد همه قبول داریم . اما نباید باشد مشکل باید حل شود یا مشکل بماند ؟ ظهور حل شود . من می‌گویم شرعا حرام است برای شما اعتصاب ، کم کاری و شما می‌گویند ما نمی‌کنیم ولی مشکل ما چگونه حل شود ما چگونه به خواستمان برسیم شما بگوئید نیازهای ما چگونه برطرف شود . اسلامی که گفته اعتصاب

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!



# در هفته‌ای که گذشت

بقیه از صفحه ۸

این کنفرانس، از جمله خواسته شده است که آمریکا به تفسیقات خود علیه کوبا پایان داده و نیروهایش را از پایگاه گوانتانامو در کوبا، خارج سازد. هم-چنین کمکهای آمریکا به رژیم حاکم در السالوا در شیدا محکوم گردیده و خواسته شده است که مسئله السالوادور طبق پیشنهادات نیروهای انقلاب کشور از طریق مسالمت آمیز حل و فصل شود. در این سند اوضاع دیگر کشورهای "استبداد زده" آمریکا لاتین نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

## تروویستهای اقتصادی با حرکتی خزننده جامعه را به سوی نارضایتی عموفی سوق میدهند!

روزنامه صبح آزادگان در شماره ۱۵ادی خود غنی نامهای به امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران بدرستی به ضرورت مبارزه تروویسم اقتصادی اشاره نموده مینویسد: "امروز جنگ در صدر مسایل جامعه قرار داشته و حزب الله با حضور گسترده خسود در جنبه‌های نبرد حق علیه باطل ضربات پیاپی جوشور را یکی پس از دیگری بر پیکر متجاوزین صدامی وارد میکند. ولی در کنار این مسئله، امت با مشکل بزرگی روبروست که همچون خوره به

جانش افتاده و میکوشد که توانش را به تحلیل ببرد. از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی همواره يك مشکل که هر روز ابعاد وسیع تری به خود می‌گیرد موجب آزار مردم گردیده است. البته غرض از مردم همان توده‌های محروم و مستضعف جنوب شهری و قشری است که بنابه فرموده خواجه صاحبان اصلی انقلابند. این مسئله که در حال حاضر ابعاد وحشتناکی به خود گرفته و باعث آزار و نارضایتی عمومی در جامعه گردیده، تروویسم اقتصادی در غالب احتکار و ناشی از غارتگری های اقتصادی است. این مشکل را نباید خطرناکتر از مشکل منافقین و یا گروهك های مخرب به حساب آورد زیرا محاربین با ترورهای جسمانی خویش يك فرد ولو مهم و اسوه را بیه شهادت رسانده و همیشه نیز با انزجار است روبرو شده‌اند. ولی تروویست های اقتصادی با حرکتی خزننده جامعه را به سوی نارضایتی عمومی سوق داده و آنرا به حالت انفجار می‌رسانند. خطر این گروه که اقلیت ناچیزی می‌باشند بقدری است که میتواند انقلاب اسلامی را از مسیر اصلی والهی خود خارج کرده و بار دیگر مسایل مادی را در صدر خواست های امت قرار بدهد. اما از همان روزهای اولیه با این گروه کسه گران فروشی ها، احتکارها، کم فروشیها، سوء-استفاده های دلان و انواع و اقسام نارسائی های اقتصادی را دامن زده برخورد قاطعی نشده است تا جائیه امروزه براسی مردم از مشکلات عدیده اقتصادی به تنگ آمد هاند. این مشکل که از ابتدا با بی توجهی مسئولین روبرو گردیده، به اندازه ای رشد کرده که حالت خطرناکی رسیده است. البته تویه بدین امر نیز باید پیوند که تمامی مصائب و ناسامانی های اقتصادی نتیجه محرومین و مستضعفانی است که در جنبه های

جنگ به نبرد با خصم پرداخته و یا در ارگان گنا انقلابی مسخول خدمتند و بفرموده شما صاحبان اصلی انقلابند. مسئله تروویست های اقتصادی میتواند موجب خوراك تبلیغاتی گروهك ها و فرصت طلبان گردد و اینك، ای امام، ای فریاد-رس محرومان و ای مشكل گشای حزب الله، امت در طول سالیان دراز به خوبی به توانایی شما در فائق آمدن بر مشکلات پی برده است. مشکلاتی که از ابتدا غیر قابل حل بنظر می-رسیدند ولی با دوراندیشی شما به راحتی حل شدند. در حال حاضر امت حزب الله، همان جان برکفانی که در جنبه های نبرد با دشمن در ستیز است، همان ایثارگری که در سنگسار کارخانه با استکبار جهان در نبرد میباشند و تمامی توده هائیکه در صفوف مشتکل به رویارویی با شیطان بزرگ برخاسته و گفته تاریخیتان را که آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند را جنبه عمل پوشانند. امروزه این قشر عظیم به تنگ آمده از ظلم و جور و چپاول و غارت تروویست های اقتصادی بار دیگر رو به سوی شما آورده و میداند که تنها این قاطعیت را باید در وجود شما جستجو کند منتظر اوامرتان است تا این مشکل را نیز همچون دیگر معضلات حل نماید. دلیل اصلی چنین تقاضا اراده قاطع و دلسوزانهای میدانند که تنها و تنها با دست شما حل خواهد شد چه اینکه بی توجهی به مسئله تروویست های اقتصادی از ابتدای امر تاحال میباشد که موجبات رنج آنها را فراهم آورده است. امروز چشم امید تمامی محرومین جامعه به شماست تا با پیامی و یا سخنی امر به ریشه کنی این مشکل بزرگ جامعه نموده و راهگشای امت شوید.

## اعضاء و هواداران حزب توده ایران در هندوستان سالگرد انقلاب اکبر را گرامی داشتند

از سوی هواداران حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در هند بنسبیت انقلاب اکبر اعلامیه ای انتشار یافته است، که در آن از جمله می‌خوانیم: "قرن ما سرشار از رخدادهای ستبرگ تاریخی است. لیکن هیچک از آنها با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر از لحاظ نیروی تاثیر آن بر سرکوبت بشریت برابری نمیکند. پیروزی انقلاب دوران ساز اکثر، حادثه ای که "فلك را سقف بشکافت" و در تاریخ بشریت طرحی بود در انداخت، جنبش سترگی کسه در آن کارگر و دهقان بهم ساختند و به رهبری حزب لاتین بزرگ بنیاد استبداد نزاری و سرمایه داری را در پهنای ترین کشور جهان برانداختند. پی ریزی حکومت شوراهای سرفراز گذار جهان از سرمایه داری به سوسیالیسم، جامعه فارغ از استعمار و طبقات، سیاست نوین بین المللی عاری از هرگونه سلطه جویی و جنگ طلبی و فارغ از ستم ملی و بی عدالتی اجتماعی را به جامعه ترقی خواه و زحمتکش بشری بشارت داد و به تمام گردانهای جنبش جهانی کارگری تحرك انقلابی

نیرومندی یخشید، برای گسترش مبارزات ملی و رهائی بخش کشورهای مستعمره و وابسته امکان و دور نمای تازه ای پدید آورد و طبقه کارگر را به طور نهائی بی بازگشت در مرکز زندگی اجتماعی دوران معاصر قرار داد. "تنیس در ادامه مطلب در ارتباط با انقلاب شکوهمند مردم ایران در اعلامیه آمده است: "انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر گرچه در نگاه اول رویداد مربوط به کشور شخصی بوده، لیکن در حقیقت تحولی بوده در تاریخ سراسر جهان و برای کشور ما نیز اهمیت شایسته خود را داشته است. ذکر شمهای از کمکهای این انقلاب عظیم از قبیل خروج نیروهای روسیه از ایران در سال ۱۹۱۷، القای قرارداد تقسیم ایران، فراهم نمودن شرایط برای القای رژیم کاپیتولاسیو در ایران، ایجاد موسسات بزرگ صنعتی بنیادی (ذوب آهن و...) و دفاع بیدریغ از همسه جنبشهای اصیل و انقلابی مردم ایران و پشتیبانی قاطع از انقلاب شکوهمند مردم ایران به رهبری امام خمینی در قبال شهیدها و توطئه های امپریالیسم جهانی، خود شاهد درخشان

وفاداری اتحاد شوروی به اصول انقلابی و انترناسیونالیسم پرولتری، به آرمان برادری و دوستی خلقها در نمونه شخص میهن عزیز ما بوده است. با کمال تاسف باید بگویم که در يك دوران طولانی بیش از نیم قرن رژیم پهلوی، مراکز تبلیغاتی سیاه مساد و اینتلیجنس سرویس، وعاظ السلاطین و انواع گروهك های تروویستی و مائوئیستی چه داستانه ها، چه هذیانها و چه اباطیل ضد شوروی و ضد سوسیالیستی کسه نگفته اند. تاثیر این تبلیغات سرپا دروغ به حدی است که عده ای تا آگاه حتی بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند مان کماکان یاوه گوئی های ضد شوروی و ضد سوسیالیستی را تکرار میکنند، و عده ای هم آگاهانه به این تبلیغات دامن میزنند که رهنمود برژینسکی برای ایجاد و دامن زدن به "جوسو" ظن و عدم اعتماد ۰۰۰ بین ایران و همسایگانش اجرا کنند، به این امید کسه اتحاد شوروی حمایت سیاسی خود را از ۰۰۰ جمهوری اسلامی خمینی قطع کند. امپریالیسم جهانی از رهنمود برژینسکی این هدف را دنبال میکند که کشور از بند رسته ما در مقابل توطئه ها و تجاوزات امپریالیسم جهانی نتواند از صمیم ترین دوست و مدافع خود آنطور که لازم و شایسته است استفاده کند و دوستان و دشمنان خود را در سطح جهان تشخیص دهد و انقلاب را ضربه ناپذیر گرداند.

# مارکسیسم و اسلام

اخیرا ایند ثولکهای نواستعماری در باره دئسی و سازش ناپذیری مارکسیسم و اسلام فراوان سخن میگویند. آنها مارکسیست ها را متهم میسازند به اینند با معتقدان مذهبی و جنبش های سیاسی-ای که زیر شعارهای مذهبی مبارزه میکنند غرض-ورزی میکنند- آیا واقعا چنین است؟

بنظر مارکسیست ها آنچه در عرصه مسائل سیاسی اهمیت درجه اول دارد پایگاه طبقاتی معتقدان به مذهب و سازمانهای آنها است و نه نفس مذهب آنها. نئین بنیان گذار کشور شوروی، که تجسم کاملی از قوانین و تاکتیکهای کمونیست ها را نسبت به مذهب و معتقدان ارائه داد، تاکید میکرد، که اتحاد زحمتکشان ستم دیده در مبارزه بر علیه استثمارگران برای کمونیست ها در مرکز توجه قرار دارد. نمونهای از برخورد مارکسیستی به اعتقادات مذهبی زحمتکشان و مسائل ملی آنان و شیوه حل آنها را بعد از انقلاب اکتبر، در سال ۱۹۱۷، در مورد مسلمانان روسیه مشاهده میکنیم که آنان را از تمام شکلهای ستم اجتماعی، ملی و مذهبی رهایی بخشید.

بنیاد گذاران مارکسیسم - لنینیسم مکرر در مکر بر ضرورت ارزیابی نقش سیاسی مذهب در مقطع معین تاریخی تاکید ورزید مانند لنین جنبش های مذهبی ضد استعماری و رهایی بخش را که زیر پرچم اسلام صورت میگرفت، مثبت ارزیابی میکرد.

ارزیابی و نتیجه گیری بیست و ششمن کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۱ نیز مؤید این نظر است که در دوران ما هم مبارزه آزاد بیخش می تواند زیر پرچم اسلام صورت گیرد. اما در عین حال باید توجه داشت که ارتجاع نیز برای ایجاد شورش های ضد انقلابی به طرح شعار های اسلامی می پردازد و از آنها سوء استفاده می کند. جنبشهای رهایی بخش ضد امپریالیستی نقش عظیمی در پیشرفت روند انقلابی در کشورهای خاور میانه بازی میکند. با توجه به این واقعیت کسبه مذهب کماکان بصورت شکل حاکمی از آگاهی اجتماعی در این کشور هاست. با توجه به اینکه مردم بسا مذاهب مختلف در امر مبارزه برای پیشرفت اجتماعی شرکت میکنند، مارکسیست ها میگویند تا آنها را به این مبارزه جلب کنند. این حقیقت که مارکسیست ها تغیر و تحولات مترقی که زیر پرچم اسلام انجام میگیرد حمایت میکنند بهیچوجه بسفحنی عدول از نظر مارکسیستی نیست.

در بیان موضع کمونیستهای عرب در رابطه با اسلام در مرحله کنونی نهضت های انقلابی در کشورهای عربی، مارکسیست هری م. ا. الحلیم می نویسد. که مارکسیسم " نهادی برای ترویج الحاد و خداشناسی نیست، بلکه مدافع و مبلغ تئوری تغیر و نوین سازی انقلابی جامعه است. بنابراین کسار مارکسیستهای عرب " انتقاد از بهشت نیست بلکه

انتقاد ازنا هنجارهای اجتماعی بر روی زمین است" مارکسیستها در کشورهای مسلمان آمادگی خود را برای همکاری با عناصر دکراتیک در جنبش های اسلامی ابراز میدارند. دنیرو اول کمیته مرکزی حزب کمونیست تونس، محمد هرمل در تشریح موضع حزب در رابطه با اسلام - رها خیمای با روزنامه ایتالیا " اوینا " اظهار داشت: " ۱۰۰۰ ما در یک کشور اسلامی زندگی میکنیم، و ما میتوانیم بگوئیم که اسلام مذهب یک شخص و یا یک حزب نیست، بلکه مذهب کل مردم است. ما طبیعتا فعالان از عناصر مترقی و دکراتیک آن حمایت میکنیم اما از ارتجاعیون پشتیبانی بعمل نمی آوریم. باید این را روشن کنیم که این مبارزه ای که جنسریان دارد مبارزه بسین مسلمانان و غیر مسلمانان نیست، بلکه یک مبارزه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی واید ثولویک است. بنابراین به هیچوجه مبارزه بر سر مذهب نیست." محافل سرمایه داری و ارتجاعی در کشورهای مسلمان در تلاشند تا از نفوذ مذهب در توده های مردم بعنوان مانعی بر سر راه گسترش اندیشه های مترقی استفاده کنند. برای مثال در افغانستان ضد انقلاب با استفاده از شعارهای " دفاع از اسلام " علیه " نفوذ بیگانه " سعی در دعوت به مبارزه طیه " خدا شناس ها و کمونیستها " دارد. ضد انقلاب در تلاش خود برای فریب دادن توده ها و یکارگیری مذهب به عنوان سلاحی علیه مبارزه ضد امپریالیستی، سعی دارد کشور را از سیر در مسیر مترقی آن بازدارد.

بحث آغاز شده توسط نظریه پردازان سرمایه داری بقیه در صفحه ۱۱

## هنوز بعد از شاه نویت آمریکا و ادنابش است

بقیه از صفحه ۱  
دوشیده است و میکوشد تا مردم قهرمان ما را بزانو در آورد و میهن ما بارد یگر به زیر سلطه جنا پیتسار خود در آورد.

امپریالیسم آمریکا با کمک مستقیم به رژیم چنان-یتکار صدام برای ادامه جنگ تجاوز کارانه علیه ایران انقلابی با تقویت روز افزون نیروهای نظامی دریایی خود، سرهم بندی کردن نیروی داخله سریع و ایجاد " فرماندهی مرکزی نظامی - سیاسی "، با تسلیح روز افزون پاسانان و ترکیسه و تقویت پایگاههای ضد انقلابیون فراری ایران در این دو کشور، تمام آن تدارکاتی را که برای یک اقدام قهرآمیز علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران لازم است، انجام میدعد.

امام خمینی، ما حاصل تجربه انقلابی مردم ما را در عبارات کوتاه و بسیار پرمعنا بسیج کنند ه " دشمن مشترک همه ما آمریکاست " جهان بداند ایران راه خود را یافته و تا قطع منافسح آمریقای جهانخوار، این دشمن کینه توز مستضعفین جهان، با آن میازهای آشتی ناپذیر دارد " بیان کردند. شناخت این دشمن مشترک و توجه کردن همه فریاد ها و آتش ها بسوی آن عنمود رهبر انقلاب و وظیفه مبرم و سرنوشت ساز است نیروهای اصلی انقلابی است. منحرف کردن به تیز شعارها و فریادها از سوی دشمنان اصلی ما آمریکا بسوی آماجهای دیگر به منظور

زحمتکش جامعه همه جریانات مخالف و عناصر راستگرا و همه طیف ضد انقلابی به آن متوسل می شوند.



آنکه آمریکا و توطئه های آنرا زیر سایه قرار دهد و به فراموشی بسپارد تا کتیک است که امروزه در جوار ناراضی تراشی در بین وسیعترین اقشار

# از قانون اساسی دفاع کنیم

لایحه حدود و شیوه فعالیت بخش خصوصی موربانه قانون اساسی است.

۰۰۰ خط انقلاب، خط ضد امپریالیستی، ضد سرمایه داری و ضد فتودالیسم است ۰۰۰ شهید بهشتی در شماره ۱۸ "راه تسوده" اولین قسمت بررسی "لایحه حدود و شیوه فعالیت بخش خصوصی" را خواندید. در این شماره بسسه بررسی "لایحه" ادامه می دهیم.

همانطور که در قسمت اول، نیز اشاره شد روح حاکم بر این لایحه، همانند روح حاکم بر پیش نویس قانون کار آقای توکلی و شرکا و پسا برخورد شورای نگهبان به اصل ۴۴ قانون اساسی یا "روح مردمی" قانون اساسی واهداف انقلاب در تضاد است.

شهید بهشتی که در جوار آیت الله الحضمی منتظری، آیت الله طالقانی و دیگران یکسوی از شخصیت های برجسته تدوین کننده قانون اساسی ج ۱۰۱۰ و مدافع اصلاحات ارضی انقلابی بسد نفع زحمتکشان روستا و براندازی بزرگ مالکسی و فتودالی بود، خط انقلاب "را که در بزرگترین دستاورد آن: قانون اساسی، تثبیت شده است" خط ضد امپریالیستی، ضد سرمایه داری و ضد فتودالیسم ۰۰۰ "اعلام می کند. امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیان گزار ج ۱۰۱۰ نیز بارها این "خط انقلاب" را تصریح کرده اند و از انقلاب "کوچ تشیخان علیه کاخ ششینان" صحبت کرده اند. این واقعیت نیز نیازی بسه توضیح ندارد، که اگر امروز هم این "خسسط انقلاب" به همه بررسی خلق اینترگر و مدافع انقلاب گذشته شود، خلق یک صدا و همانند تن واحد به آن رای مجدد مثبت می دهد و از آن با رای خود همانند مردمک چشم دفاع می کند.

در مقابل این خط، خط سرمایه داری و راستگرایان و اعمال آنها فرار گرفته است. این نیروها هم آنها که "دوستان نسناسدان" هستند، و هم آنها که کسمیری های هنوز شیشه نندده اند. دست به یک یورش همه جانبه بسه "خط ضد سرمایه داری و ضد فتودالی" انقلاب زد هاند و دیری نخواهد پایید، که برای تکمیل ارکستر زشت و ناهنجار خود "خط ضد امپریالیستی انقلاب" را هم مورد هجوم علنی قسرار دهند.

در مرحله فعلی یورش خود، عناصر فوق الذکر - همانطور که در قسمت اول نیز نشان داد هاند - دست به آیکی کردن اصول قانون اساسی و "خط انقلاب" زد هاند. نمونه دیگری از این یورش را از جمله در ماده ۴۲ "لایحه" می بینیم.

همانطور که اخیرا در فتوای امام خمینی نیز در تائید اصل ۴۵ قانون اساسی ج ۱۰۱۰ اعلام شده، ثروت معادن نفت، ثروت ملی است و در آمد آن در اختیار دولت ج ۱۰۱۰ قرار دارد. بدین

است که اصل ۴۵ قانون اساسی، که در فتوای امام خمینی یکبار دیگر تائید و تاکید می شود، یعنی اصل ملی بودن ثروت های طبیعی، فقط شامل ثروت نفت نیست، بلکه اصل عام و همه شمول است. به عبارت دیگر تمامی ثروت های ملی و عمومی - مانند معادن - زمین - آب - جنگل - مراتع - نزارها - ثروت های کسه موضوع اصل ۴۵ قانون اساسی است در مالکیت ملی و تمام خلق است و به اصطلاح تحسنت "مالکیت دولتی" (مالکیت دولت اسلامی) است.

سرمایه داران، فتودالها و راستگرایان البته فعلا با این اصل امکان در افتادن ندارند و چاره ای نمی بینند، که به ظاهر به آن تن بد هاند. از اینرو مجبورند در ماده ۴۲ "لایحه" بسه این متن به ظاهر کردن نهند و بنویسند: "ماده ۴۲ زمینهای که بطور طبیعی و بر حسب اصل خلقت آباد و قابل استفاده است ۰۰۰ جز انفال و اموال حکومت اسلامی است ۰۰۰" البته اگر متن ماده ۴۲ به همینجا خاتمه می یافت معنی آن این بود، که فتودالها و مدافعان زمینداری بزرگ با یک اصلاحات ضد فتودالی و انقلابی مخالفتی نمی داشتند. اما واقعیت این طور نیست. آنها ۲ سال است که سخت منغول "سخن شرعی" قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب اند. بدیهی است که در "لایحه" مورد صحبت ما هم به این اساسی تسلیم نمی شوند و نند هاند و با یک "ولسی" مانند خوره به تن این "ثروت ملی" افتاده شایان توجه است، که "ولی" مطرح شده در این ماده ۴۲ "لایحه" همانطور که در زیر نشان داده شده است - عملا زیر آب قانون اصلاحات ارضی انقلابی را هم می زند. لایحه اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب، که آیت -

الله العظمی منتظری و آیت الله مشکینی و شهید بهشتی انطباق آن را با "موازین اسلامی" تائید کرده هاند، هدفش براندازی بزرگ مالکسی و فتودالی است. اما فتودالها و بزرگ زمینداران با آن مخالفتند و، همانطور که در بالا نیز اشاره شد، بیش از دو سال است که به انسواع حطی و صور سعی در "سخن شرعی" آن دارند. لذا باید خیلی عجیب می بود، اگر همین سرمایه زاده ها و فتودال زاده ها و یا راستگرایان و عمال آنها به یکبار "انسان" سربراهی می - شد ند و در "لایحه" موضوع بررسی ما پسا، "ولی" به سخ اصل ملی بودن ثروت های عمومی نمی رفتند، که رفتند. آنها در دنباله متن ماده ۴۲ "لایحه"، که زمین های فوق الذکر را "جز انفال و اموال حکومت اسلامی" اعلام می کند، می نویسند: "ولی اینگونه زمینها نیز پسا اجازه دولت اسلامی قابل استعلاک است ۰۰۰" البته ما با این مخالفتی نداریم، که "دولست

اسلامی" زمینهای که ۰۰۰ آباد و قابل استفاده است" در اختیار زحمتکشان که بر روی آن زمین ها کار بکنند، بگذارد و بذر و آب، اعتبار و غیره را برایشان آماده سازد، محصولش را با قیمت تثبیت شده بخرد ۰۰۰ نکته ای که با ظرافت در این بند گنجانده شده است و ما با آن مخالفیم، اما آن است که آقایان (خانم - ها که ظاهرا در تنظیم "لایحه" شرکت نداشتند) هوس "تلك" این زمینها را در سر می پروراندند! می خواهند به کمک این "لایحه" این تلك را قانونی کنند!

مسئله با "اجازه دولت اسلامی" هم تعارف است، زیرا در ماده بعدی، یعنی ماده ۳ - ۴ "لایحه"، صاف و ساده شیوه این تلك را که "بوسیله حیات است" سیاه زوی سفید نو - شتاند و ثبت کرده اند: "ماده ۴۳ - استعلاک زمینهای آباد طبیعی (یعنی همان زمینهای ماده ۴۲) بوسیله حیات است. هرگاه چنین زمینی را کسی بقصد مالك شدن برای زراعت مرز بیند و شیار کند و زراعت نماید، (آنرا) مالك می شود، (تا اینجا هنوز راضی شان نکرد) است و دست به محکم کاری می زنند، که (حتی تنها شیار کردن و شخم زدن برای زراعت بقصد (!) مالك شدن کافی برای استعلاک (زمین) است ۰۰۰" همانطور که ملاحظه می شود دعوا بر سر لحاف ملا، یعنی "مالك" شدن زمین است و پس! از این رو دیگر مسئله "اجازه دولت اسلامی" دیگر بکلی فراموش شده است.

ادامه دارد

## مارکسیسم و اسلام

بقیه از صفحه ۱۰

در باره این پرسش که "آیا مارکسیست ها دوستان اسلام هستند یا دشمنان آن"، بحثی است ساختگی و دور از واقعیت. مسئله باید بصورت دیگری مطرح شود: چه کسی دشمن و چه کسی دوست مردم مسلمان است؟ از نظر مارکسیست ها، استعمارگران خواه مسلمان باشند، خواه منکر خدا، هردو دشمن مردم زحمتکش هستند. اما امپریالیسم بطور اعم فقط دشمن نیروهای مترقی و دمکراتیک (چه مسلمان و چه غیر مسلمان) در جنبشهای اجتماعی کشر های اسلامی است. از طرف دیگر نیروهای جانتدار فتودالیسم و ارتجاع که زیر پرچم اسلام عمل میکنند، پشتیبانی کرده و به آنها کمک میکند.

بروشنی دیده می شود که امپریالیسم جهانی، به رهبری ایالات متحده آمریکا، حملات خود را علیه مردمی که در خاور میانه برای کسب آزادی و استقلال خود دست به مبارزهای عادلانه زد هاند، شدت بخشیده است.

امروز مردم کشورهای مسلمان، بهتر از هر وقت دیگر تشخیص مید هند که "دلواپسی" امپریالیستها برای اسلام و دروغسهای آنها در مورد خطر موهوم ایدئولوژی مارکسیستی به چه هدفی خدمت میکند. محمد منتظری سیاستدار ایرانی کسی که نمیتوان او را متهم به طرفداری از مارکسیسم کرد، گفت: "از کمونیسم لولوی ساختند که ما را به سمت غرب هل دهند."



### روستو مجبور به استعفا شد

یوجین روستو، مدیر اداره کنترل تسلیحات و خلع سلاح ایالات متحده آمریکا، تحت فشار محافظان راست افراطی دولت آمریکا و درخواست مستقیم ریگان از سمت خود استعفا داد.

روستو که مسئولیت مذاکرات خلع سلاح ژنورا نیز در اختیار داشت، طی بیانیهای تاکید کرد که محافظی که خواهان عقد هیچگونه قراردادی در این زمینه نیستند، در نظر دارند این اداره (کنترل تسلیحات و ۱۰۰۰) را در اختیار خود گیرند. وی هفته گذشته این محافظ را متهم به کارشکنی در تنظیم موافقتنامه‌های در رابطه با خلع سلاح با اتحاد شوروی کرد. وی در رونمای مذاکرات و تنظیم موافقتنامه‌های با اتحاد شوروی را با توجه به پیشنهادات اخیر اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی مثبت ارزیابی کرده بود.

خبرگزاری آسوشیتد پرس گزارش داد که روستو زیر آتش کاخ سفید و گروهی از سناتورهای محافظه کار جمهوریخواه استعفا داد. است.

موضوع جالب و پراهمیت تغییر موضع خود روستو از زمان احراز این پست تاکنون بوده است، چه ناظران سیاسی در آنزمان برگزینی ویرا برای انجام این مأموریت نشانه خوبی برای پیشرفت این مذاکرات مهم بین دو کشور نمیدانستند.

### دیدار نخست وزیر جمهوری خلق چین از زامبیا

ژائو یانگ، نخست وزیر جمهوری خلق چین، در طی دیدار خود از زامبیا، نظر کشور متبوع خود را در رابطه با اوضاع جنوب آفریقا تشریح کرد. نکته جالب در این سخنان تغییر موضع این کشور در رابطه با آفریقای جنوبی و بعضی کشورهای شرقی این منطقه، بویژه آنگولاست که در هفته گذشته چین مناسبات عادی دیپلماتیک با آن برقرار کرد.

ژائو یانگ در سخنان خود حمایت دولتش را از مبارزات کشورهای مستقل این منطقه در برابر تجاوزات رژیم حاکم در پرتوریا مورد تاکید قرار داد. وی همچنین گفت که دولت جمهوری خلق چین قاطعانه از مبارزه خلق آفریقای جنوبی برای رفع تبعیض نژادی، از مبارزه خلق نامیبیا برای کسب استقلال و کشورهای منقله برای حفظ حق حاکمیت و تمامیت ارضی پشتیبانی میکند.

### یمن دمکراتیک برای تشنج زدایی

کمیته مرکزی حزب سوسیالیست یمن دمکراتیک در پلنوم اخیر خود کوششهای محافظ امپریالیستی را در افزایش تشنج در اوضاع بین المللی و بویژه در منطقه خاور میانه را محکوم کرد.

پلنوم فعالیت‌های تب‌آلود سرفرماندهای یو اس صلح آمریکا در منطقه، برای علیات نظامی د

ایفانوس هند و خاور میانه و همچنین مانور مشترک نظامی اخیر آمریکا با کشورهای همسایه یمن دیکرا را شدیداً محکوم کرد.

پلنوم کمیته مرکزی حزب سوسیالیست یمن دمکراتیک ضمن پشتیبانی از پیشنهاد های سازنده اتحاد شوروی در جهت محدودیت، کاهش و عدم استفاده از سلاحهای اتمی در مناقشات بین المللی، آنرا بظاه کوشش مصادفانه اتحاد شوروی در پاسداری از امر صلح و در جهت تنش زدایی ارزیابی نموده است.

### یونان

دولت یونان در نظر دارد مهلتی برای برچیدن تمام پایگاههای نظامی آمریکا از خاک کشور مقرر سازد.

مردم این کشور با شرکت در تظاهرات عظیمی که در اکثر شهرهای بزرگ کشور برگزار شد، خواهان برچیده شدن فوری و بدون قید و شرط این پایگاهها شدند.

آندراس پاندرئو، نخست وزیر یونان اظهار داشته است که "این پایگاهها استقلال ملی و حق حاکمیت کشور را محدود ساخته، و هیچ اهمیتی برای حفاظت مرزهای یونان ندارند." وجود این پایگاهها تنها در خدمت منافع استراتژیک ایالات متحده آمریکا است.

آمریکا، چهار پایگاه بزرگ هوایی و دریایی و همچنین تأسیسات متعدد نظامی کوچک دیگری نیز در یونان در اختیار دارد. ۲۵۰۰۰ سرباز آمریکایی در یونان مستقرند.

در بعضی از این پایگاهها سلاحهای هسته‌ای انبار شده‌اند که گفته میشود برای استفاده "نیرو" های مداخله سریع آمریکایی برای عمل در منطقه خلیج فارس در نظر گرفته شده‌اند.

### دیدار یاسر عرفات از اتحاد جماهیر شوروی

یاسر عرفات، رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین اعلام کرد که اجلاس سران کشورهای سوسیالیستی در کنار خلق فلسطین در مبارزه آنها برای احقاق حقوق ملی و حق تعیین سرنوشت و تأسیس کشور مستقل ایستادند.

وی همچنین اظهار داشت که خلق فلسطین، تحت رهبری این سازمان و یاری کشورهای سوسیالیستی و تمام نیروهای مترقی جهان صمصانه به مبارزه خو

ادامه میدهند.

یاسر عرفات در مسافرت خود به اتحاد شوروی که هفته گذشته انجام گرفت، با یوری آندریف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی دیدار و گفتگو کرد. مسائل مربوط به اوضاع خاور میانه و مبارزه خلق فلسطین در مرکز ثقل این مذاکرات قرار داشتند.

اتحاد شوروی بار دیگر پشتیبانی خود را از مبارزات خلق فلسطین برای کسب حقوق ملی اعلام کرد.

### آزادی بیانی که یک پیشین نمى ارزند

وزارت امور خارجه آمریکا از دادن ویزای ورودی به دو تن کواشی امتناع کرد. رسماً اعلام شد که ورود آنان "خطری است برای امنیت ایالات متحده آمریکا." این دو نفر، فلرننتینو کروس و آرناک ویلیا چه کسانی هستند؟ شاید صحبت بر سر دو مأمور خطرناک جاسوسی و یا از آن بدتر تروریست‌هایی است که میخواهند برای انجام مأموریت‌های ویژه به آمریکا بیایند؟ اصلاً و ابداً این دو نفر از استادان مدرسه عالی حزبی، جنب کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا هستند و میخواهند بدعت همکاری خود برای شرکت در کنفرانس فیلسوفان ایالات متحده آمریکا چند روزی به آنجا بروند.

موضوع سخنرانی آنان هم از پیش اعلام شده است: مارکسیسم و کواشی معاصر. یعنی هیچ کار پنهانی در میان نبوده است. برعکس، سخنرانی کروس ویلیا جنبه کاملاً آشکار داشته و نمی‌توانسته موجب وحشت مقامات حاکمه آمریکا بشود. میتوان پرسید: آنچه تعریف و تمجیدی که دستگاه‌های تبلیغاتی آمریکا در مورد وجود "آزادی گفتار" میکنند، وقتی سخنرانی دو فیلسوف ثروتمانی برایشان غیر قابل تحمل است، بچه کار می‌آید؟ آیا ارزش این "آزادی گفتار" کمتر از یک پیشین نیست؟

**کمک مالی به  
حزب توده ایران  
یک وظیفه انقلابی است!**

علی، آلمان فدرال ۳۰۰ مارک

**RAHE TUDEH**  
No. 25  
Friday, 21 Jan. 83

**Winfried Schwarz**  
Address: Markgrafenstr. 13  
6000 Frankfurt 90

Price:	England 30 P.
West-Germany	Belgium 22 Fr.
1 DM	Italy 350 L.
France 3 Fr.	U.S.A. 40 Cts
Austria 8 Sch.	Sweden 2 Skr.

**تصحیح وپوزش**

متأسفانه در شماره ۲۴، اشتباهات زیر رخ داد که ضمن پوزش از خوانندگان عزیز به صورت زیر اصلاح می‌شود:

در مقاله "چوب را که برداری" صفحه ۴ ستون اول، سطر ۷، بخشنامه "غلط و بخشنامه" صحیح است. در همین مقاله در آخرین سطر کلمه "ایز" جا افتاده است و باید خوانده شود "ایز کم کردن".

در مقاله "تجهیز همه جانبه امپریالیسم رای" صفحه ۵، ستون سوم، سطر ۱۷ "هستم" غلط و "نیستم" صحیح است.